

قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

تلگرام دکتر شاپور بختیار

به

دبیرکل سازمان ملل متحد

جناب آقای پرزدو کوئلاز، دبیرکل سازمان ملل متحد

اخیراً یک لایحه قانونی از طرف دولت جمهوری اسلامی به مجلس اسلامی داده شده که عملاً استقلال نظام پزشکی ایران را از میان می برد. تشاور رژیم به حقوق حرفه ای خود، دست به اعتصاب زده اند. حکومت در مقابل این حرکت اعتراضی عکس العمل شدیدی نشان داده و تعداد دکتوری از پزشکان را زندانی کرده است. در نتیجه این وضع، امور بهداشتی و درمانی مردم که بر اثر جنگ بی فوج و نابسامانی های ناشی از کمبود پزشک و دارو از مدت ها قبل در ایران مختل مانده بود، بیش از پیش وخیم شده است.

اینجا نب توجه خاص آن سازمان را به این مسئله خطیر جلب نموده و انتظار دارد که اعتباراً وقتاً رخود را برای احقاق حق حقوق پزشکان ایرانی آزادی آن عده را نشان که زندانی شده اند بکار گیرد.

شاپور بختیار

رونوشت به: - سازمان بهداشت جهانی - سازمان عفوبین المللی

قیام ملی ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱

خود رهبر نهضت ملی ایران میتوانیم دریا بیم. در جلسه علنی روز ۱۷ شهریور ۱۳۳۰ در مجلس شورای ملی گفت: "عمال انگلیس همه جا هستند: عمال انگلیس در مجلس، عمال انگلیسی در دولت، عمال انگلیس در جامعه، عمال انگلیس در دربار، روبا لخره در همه جا وجود دارند. ولی در او خربهار ۱۳۳۱ مصدق خیلی از مراحل مبارزه را با موفقیت طی کرده بود: در خرداد ماه ۱۳۳۰ از شرکت نفت انگلیس خلع ید شده بود. در شهریور ماه دولت انگلیس اصل ملی شدن نفت را، با پای درمیانی هریمن نماینده آمریکا به رسمیت شناخته بود. در مهر ماه کارشناسان انگلیسی از ایران اخراج شده بودند. بقیه در صفحه ۲

نمی نشینند تا بتدریج و در فرصت مناسب زمینه را برای بازگشت وضع سابق فراهم سازند. دکتر مصدق از آغاز تشکیل اولین دولتش به این واقعیت کاملاً شاعر بود ولی ضروری می دید که در مبارزه ضد استعمار از نیروی همه قشرهای جامعه استفاده کنند و آنجا که اعتقاد و ایمان را سخ به قانون اساسی داشت، می خواست از زهرای موافق شدن نماینده مرئوس یا فتوای مجلس نا ندردهم و اعتبار و پایگاه فلان رجل شناخته شده، در مجلس، ولو متظاهر به همکاری برای رسیدن به هدفش بهره ببرد. ترتیب کار بینه اول مصدق که عتاصر قدیمی و اشراف کهنه مشکوک در آن شرکت داشتند مبین همین اندیشه استفا ده از تمام نیروها برای مبارزه با استعمار است. این واقعیت تلخ ولی لازم را از کلام

در بهار سال ۱۳۳۱ دکتر مصدق به فکر آن افتاده بود که مبارزه را از جنبه نبرد خارجی بداخل بکشاند. زیرا با تجربه یک سال زمانداری و مبارزه سرسختانه به این نتیجه رسیده بود که پیروزی نهائی در مبارزه با استعمار بدون برداشتن موانعی که رتجاع و فتوای لیسم داخلی با پشتیبانی قدرت استعمارگر، بر سر راه مبارزه ایجاد می کردند، مقدور نخواهد بود.

در یک ساله اول حکومت او حتی عوامل و ایادی شناخته شده شرکت سابق نفت و دولت انگلستان چاره ای جز آن ندیده بودند که به پیروی و تحت فشار افکار عمومی خود را با نهضت ملی شدن نفت هم آهنگ نشان دهند. اما یقین بود که این عده که همه چیز خود را از برکت اوضاع سابق بدست آورده بودند از بیسای

جمهوری اسلامی و پیامد سقوط قیمت نفت

دگرگونی های سریع در بازار نفت

روز بیست و هشتم ژوئیه در نزوا از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود. طلای سیاه، به شتاب، کم بها می شود. حدود شش ماه پیش برآورد می شد که قیمت نفت ممکن است به بیست دلار در بشکته کاهش یابد. اکنون به کمتر از نصف کاهش یافته است و برخی از کارشناسان می گویند بیش از این سقوط خواهد کرد.

در سال ۱۹۸۲ پس از آن که او یک قیمت رسمی نفت و سهم تولید هر یک از اعضای بقیه در صفحه ۱۱

آخرین اجلاس وزیران نفت او یک کدهر جزیره "بریونی" دریوکسلای برکزار شد، مانند چندین اجلاس قبلی به نتیجه نرسید. یک مفسر نفتی در باره این اجلاس شکست خورده به طنز نوشت: "تنهائی نکته ای که وزیران نفت او یک در اجلاس "بریونی" بر سر آن اتفاق نظر داشتند این بود که اجلاس بعدی با بدریکی از بهترین نقاط جهان تشکیل شود." با آنچه در چند هفته گذشته بر سر قیمت نفت آمده است، اجلاس آینده او یک در

تحویلی در دیدها

وروش های مردم

گزارش ها می که از سر اسر کشور می رسند حاکی از این است که اشتغال از مرحله ی مقاومت منفی به مقاومت مثبت، گسسه آمیخته با تعرض متقابل و ایستادگی حتی خشونت با در برابر برتجا وزات عوام رژیم، تقریباً در همه جای آغاز شده است.

مفهوم "خطر کردن" و اصطلاح "دست از جان شستن" در ابعاد وسیعی مصداق عملی بقیه در صفحه ۴

اعتصاب های دیگر در پیش است

موج اعتراض پزشکان بالامی گیرد

دشواری های که نظام پزشکی ایران در این سال های اخیر با دولت اسلامی و عوام مل آن در وزارت بهداشت و درمان داشته است روز افزون بود. بر طبق قانون نظام پزشکی مصوب سال ۱۳۳۹، این سازمان علاوه بر رسیدگی به تخلف های پزشکی و احقاق حق بیماران و نظارت بر امر درمان، در مورد تهیه و خرید دارو و وسایل و تجهیزات پزشکی و تشییع و حق المعاینه و دستمزد جراحان و ... در کمیسیون های وزارت بهداشت شرکت فعال داشت و نظرات سازمان قابل اجراء بود.

جمهوری اسلامی، به تدریج این اختیارات قانونی نظام را از آن سلب کرد و در کار درمان و بهداشت همه امور بدون توجه به توصیه ها و گزارش های سازمان، راه را به تصمیم گیری برداخت. نظام پزشکی ایران که تا کنون علیرغم شرایط دشوار درمان و بهداشت و کمبود پزشک - که در هفت سال اخیر نزدیک به

روز دوشنبه چهار ردهم ژوئیه، پزشکان تهران در اعتراض به لایحه نظام پزشکی که از سوی وزارت بهداشت و درمان به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است به اعتصابی سمبولیک دست زده اند.

پیش از تنظیم این لایحه و تحویل آن به مجلس، دولت نظام پزشکی را عملاً منحل و با انتصاب دکتر منافی به سرپرستی نظام، این مرجع صنفی و علمی را که هیئت مدیره آن توسط پزشکان انتخاب شده اند، تعطیل کرده است.

با اعلام اعتصاب پزشکان، دولت جمهوری اسلامی به توقیف و بازجویی دبیرکل نظام پزشکی و ده تن از اعضای هیئت مدیره پرداخت.

آقای دکتر حفیظی دبیرکل نظام، در همین بازجویی دچار رگته قلبی شد که هنوز (دوشنبه ۲۱ ژوئیه) در بیمارستان مدائن، بخش سی سی، یو بستری است. دکتر حفیظی در بیمارستان تحت نظارت سدا ران است و آن ها به هیچ کس از اعضای خانواده دبیرکل نظام پزشکی اجازه ملاقات با وی را نمی دهند.

تذکار به نمایندگان

عوام مجلس انگلیس

هفتاد و هشت تن از نمایندگان احزاب محافظه کار، کارگرو لیبرال و سوسیال دمکرات در پارلمان بریتانیا، تذکار به گروهی از نمایندگان را داده بر به تحریم فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و عراق امضاء کردند.

در متن این تذکار به که توسط آقای تیپ بیت یکی از نمایندگان پارلمان انگلیس ارائه شده است: "مجلس گزارش مربوط به نقض حقوق بشر در ایران را که از طرف گروه پارلمانی حقوق بشر انگلیس انتشار یافته است مورد تأکید قرار می دهد و ضمن ابراز نگرانی از ادامه نقض حقوق مدنی در ایران، از دولت انگلستان خواستار است که سیاست های آن به تقویت حکومت ستمگر خیمینی منجر نشود و از سیاست تحریم ارسال اسلحه به دو طرف درگیر در جنگ که از سوی دکتر شاپور بختیار پیشنهاد شده است، پشتیبانی بعمل آورد." بقیه در صفحه ۱۰

حسینی مسکن

جامعه آرمانی "امام"

جامعه آرمانی امام خمینی به سرعت در حال شکل گرفتن است.

امام خمینی گفته بود در زمان حضرت پیغمبر مسلمانان برای سد جوع دانه خرما را به نوبت در دهان می گرداندند و برای رفع عطش مشک خشک شده می مکیدند. ظاهراً امام خمینی نگران آن بود که مبادا ایرانیان به آن مرحله نرسند و نیسوت و رسالت ایشان تکمیل نشود. اجمالاً "حجت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه ای در خطبه نماز جمعه مؤذنه داد که آرزوی امام خمینی تحقق یافته است و ایرانیان با ید عمر خوردن و نوشیدن و پوشیدن را فراموش کنند و خود را با مقتضیات دوره "مکیدن" تطبیق دهند. پرزیدنت خامنه ای طی مقدمه مبسوطی استدلال کرده که مردم ایران از دو راه می توانند میرا لیسم خونخوار رغبه کنند و پشت آن را بجا ک برسانند. راه مستقیم و کوتاه آنست که به جبهه بروند و کشته شوند. اما اگر بدلالی سعادت نایل شدن به وصال مرگ برایشان دست نداد و لاجرم با یدطوری زندگی کنند که تفاوت چندانی با مردن نداشته باشد. بقیه در صفحه ۱۰

قیام ملی ۳ تیر ماه ۱۳۳۱

بقیه از صفحه ۱

علامیه‌ای به این شرح منتشر کردند: " ما امضاء کنندگان ذیل، نمایندگان مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۲ شهریورماه ۱۳۳۱ در تهران با حضور و با اقبال و بی‌شائبه و بی‌محابه و بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به منافع شخصی و حزبی و با تمام قوای خود و وسایل موجود از دکتر مصدق پشتیبانی نمی‌کنیم. سرلشکر علوی مقدم فرما ندادن نظامی تهران را اعلامیه تهدیدآمیز شدیداً لایحنی ما در کرد و بدنبال آن ما مورین نظامی و انتظامی با تانک و زره پوش و کامیون‌های مسلح برای جلوگیری از بروز حوادث در مراکز مهم مانند با زار، دانشگاه و میدان بهارستان مستقر شدند.

۲۷ تیر

فرمان نخست وزیر قوام السلطنه صادر شد. قوام پس از گرفتن رای اعتماد از مجلس، اعلامیه‌ای صادر کرد و تهدید آمیز خود را با در کرد که با این جملات تمام می‌شود: "... به عموم اطلاع می‌دهم که دوره عصیان سپری شده و روزها عتازات و امر حکومت فرا رسیده است. کشتیبان را سیاسی دگر آمد. تهرمان ۱۳۳۱/۲۷/۲۷ رئیس الوزرا قوام السلطنه." (کلام منوچهری - کشتیبان را سیاسی دگر آمد از طرف گوینده رادیو، اشتباهات کشتیبان " خوانده شد)

خبرهای از حرکت مردم در تمام شهرستان‌ها به دولت قوام می‌رسید و دستورات شدید برای جلوگیری از هرگونه تظاهرات مردم به صورت بخشنامه روز، به استانداری‌ها و فرماندهان لشکرها در شد.

روزنامه توده‌ای "دژ" که به جای به سوی آینده، منتشر می‌شد در شماره ۲۷ تیرماه درشت، دکتر مصدق را " هوادار امپریالیسم" خواند.

۲۸ تیر

خبرهای واصله از شهرستان‌ها موجب نگرانی مقامات دولتی شده بود. روزنامه اطلاعات خبر داد که: "طبق تلفن خبرنگاران روزنامه خرمشهر و آبادان با انتشار خبر کناره‌گیری مصدق از نخست‌وزیری از عصر پنجشنبه مردم دکان‌های خود را بسته و شروع به تظاهرات کرده‌اند و در بخش پالایشگاه و دیگر بخش‌های وابسته همه کارگران دست‌ازکار رکنیده و اعتصاب کرده‌اند."

از صفهان و قزوین نیز خبر رسید که دکان بسته شده و جمعیت کثیری در تلگرافخانه اجتماع کرده و با نمایندگان جبهه ملی مشغول مخابره حضوری شده و از دکتر مصدق پشتیبانی کرده‌اند. سیل تلگراف‌های مبتنی بر اعتراض به قوام و پشتیبانی از مصدق از تمام شهرستان‌ها به تهران بحدی رسید که وزارت پست و تلگراف بدستور دولت، برخلاف قانون اساسی و مقررات موجود، از مخابره و توزیع تلگراف‌ها خودداری کرد.

نمایندگان مجلس، طرفدار نهضت ملی در مقابل تقاضای مردم اعلامیه‌ای منتشر کردند که قسمتی از آن چنین است: "... ملت قهرمان ایران هرگز مقهور دولت‌های استبداد شکنانه بیگانگان نخواهد شد و تا صورت نتیجه قطعی و احقاق حق و رها نشدن کشور از چنگال سیاست‌های استعماری استقامت خواهد کرد. روز دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در سراسر کشور تعطیل عمومی اعلام می‌شود و امید داریم هموطنان عزیز که همگی طرفدار قیام حقیقی ملت و ادامه مبارزه در راه نجات کشور می‌باشند با نهایت آراش و متانت در این جنبش ملی شرکت نمایند..."

۲۹ تیر

شهرتهران بحالت تعطیل درآمد به بود. کارگران کارخانه‌ها اعتصاب کرده و سرویس‌های تمام خطوط اتوبوسرانی دست‌ازکار رکنیده بودند. کارگران پمپ‌بنزین از فروش خودداری می‌کردند.

شکایت انگلستان از ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد به نتیجه مثبتی برای آن کشور نرسیده بود. در دبیرخانه کنسولگری های انگلستان تعطیل شده بود. سال ۱۳۳۱ با دفاع مصدق در دیوان دادگستری لاهه، در مقابل شکایت انگلستان، شروع شده بود و با اظهارات پرشور حق طلبانه او و مدافعات مستدل پروفیسورها نری رولن، وکیل ایران، پیش‌بینی می‌شد که دیوان لاهه نتواند با روی حق بگذارد.

مذاکرات با شرکت‌های ایتالیایی و ژاپنی که، علیرغم محاصره اقتصادی، می‌خواستند از ایران نفت بخرند در جریان بود.

اکنون هنگامی بود که مصدق به اصلاحات داخلی، هم بعنوان هدف تاء مین سعادت ملت ایران و هم بعنوان وسیله ادامه مبارزه با استعمار، دست بزند. ولی مانع تازه‌ای بر سر راه او سبز شده بود. مجلس هفدهم جدیداً انتخاب با اکثریتی از همان یادی شناخته شده انگلستان شروع بکار می‌کرد. توضیح آنکه اصلاح قانون انتخابات از آغاز یکی از مهمترین اصول برنامه دولت دکتر مصدق بود ولی در طول سال ۱۳۳۰ گرفتاریهای مبارزه با استعمار انگلستان و تحریکات بیگانگان در مجالی برای اجرای این اصل نگذاشته و موعود انتخابات فرا رسیده بود. دکتر مصدق با احترام و اعتقاد عمیقی که به قانون اساسی و حکومت پارلمانی داشت، جایز ندید که انتخابات را به تعویق بیندازد. اما با تمام کوشش‌های برای تاء مین آزادی انتخابات کرد، در نتیجه دخالت‌های مقامات فاسد دولتی و بخصوص فرماندهان لشکری و ایادی استعمار، بسیاری از نمایندگان شناخته شده سرازند و قوام وارد شدند.

مصدق برای تصفیه ارتش از عناصر وابسته به بیگانگان و خدمتگزاران ارتجاع میخواست بر اساس قانون اساسی وزارت جنگ را نیز خود به عهده بگیرد و برای اصلاحات قوانین مالی و اقتصادی و بازاریابی یک دادگستری واقعی، برای مدتی اختیارات قانون گذاری داشته باشد. بیگانگان با واگذاری پست وزارت جنگ به مصدق مخالفت می‌کرد و نمایندگان مجلس هم با بداندن اختیارات مخالف بودند. به این جهت علیرغم صدور فرمان مجدد نخست‌وزیری در تاریخ ۱۹ تیرماه، چون شرایط خود را بدینگونه تغییر داد، ۲۵ تیرماه استعفا کرد. ولی با حرکت وسیع تمام قشرهای جامعه سراسر کشور که به قیام خوین و پیرا افتخار ۳۰ تیرماه انجام میداد، دوباره تمام امورا بدست گرفتارمان برای یادآوری این حماسه غرور آفرین ملی و به خصوص برای اطلاع نسل جوانی که سالها عمداً در بی‌خبری نگهداشته شده، فهرست وار به وقایع روزهای بین ۲۵ تا ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ اشاره‌ای می‌کنیم.

۲۵ تیر

دکتر مصدق پس از سه ساعت مذاکره با شاه، استعفا خود را به این شرح تقدیم کرد: "پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی، چون در نتیجه تجربیاتسی که در دولت سابق بدست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب می‌کند که پست وزارت جنگ را فدوی شمشا عهده دار شود و این کار مورد تصویب شاه نه واقع نشد البته بهتر آنست که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاه را اجرا کند. با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه‌ای را که ملت ایران شروع کرده است پیروزمندان خاتمه دهد. فدوی دکتر محمد مصدق."

همان روز حسین علا وزیر دربار رمتن استعفا نامه دکتر مصدق را به رئیس مجلس (دکتر امامی، امام جمعه تهران) داد و قبولی آنرا از طرف شاه اعلام داشت. رئیس مجلس نمایندگان را به تشکیل جلسه دعوت کرد و مجلس بدون حضور نمایندگان فراکسیون نهضت ملی (جبهه ملی) به نخست‌وزیری قوام السلطنه رای تمایل داد.

۲۶ تیر

با انتشار خبر استعفا مصدق و رای تمایل مجلس به قوام السلطنه، در سراسر مملکت جنب و جوشی آغاز شد. در تهران از بعد از ظهر، تمام کسبه با زار دکان‌های خود را تعطیل کردند. اعضاء جبهه ملی

تخته‌ای حمل می‌شد. مردم جنازه جوانی را که در با زارچه سروی نزدیک شمس العماره گشته شده بود همسراه می‌آوردند و رود این دسته و با این ترتیب بر شور و هرجا سا برین افزود و فریادهای جمعیت حاضر در میدان بلند شد. پلیس و سربازان به مردم حمله بردند و اولین زدو خورد شدید و جدی در بهارستان شروع شد. مردم با دست‌خالی به مبارزه مشغول شدند سربازان را از روی اسب‌ها پیاده می‌کردند و جیب‌های شهربانی و ارتش را آتش زدند. ساعت ۱۰

تیراندازی شدید با مسلسل ما سوران بخصوص از روی بام مجلس به طرف مردم شروع شد و مردم فریاد دزنان به طرف سه راه ژاله و سرچشمه و شاه‌آباد عقب نشستند. اکنون حمله و جنگ و گریز مردم شروع شده بود. در مقابل حمله سربازان فرار می‌کردند و دوباره هجوم می‌آوردند و در هر هجوم تعدادی کشته و زخمی می‌شدند. ولی نکته قابل توجه آنست که مردم هنگام این جنگ و گریز کشته‌های خود را همسراه می‌بردند و کشته‌ها را می‌بستند. ساعت ۱۱

در هجوم تازه‌ای که جمعیت به طرف میدان بهارستان برد عده زیادی از زیر آتش مسلسل‌ها خود را به پشت نرده‌های مجلس رساندند. فریاد آتشین زنی از پشت نرده‌های مجلس که به نام می‌رئیس مجلس نام‌سزا می‌گفت طوری کسانی را که در محوطه مجلس بودند به هیچان آورد که همه به‌آغوش می‌گرفتند. رئیس مجلس تصمیم گرفت به سعادت با دیردولی با وجود محافظت گارد بعد از چندمتری که از مجلس دور شد مورد حمله مردم قرار گرفت. شیشه‌های اتوموبیل‌ها را با سنگ و چوب شکستند تا چاربرگشت. از ساعت ۱۱

در هجوم تازه‌ای که جمعیت به طرف میدان بهارستان برد عده زیادی از زیر آتش مسلسل‌ها خود را به پشت نرده‌های مجلس رساندند. فریاد آتشین زنی از پشت نرده‌های مجلس که به نام می‌رئیس مجلس نام‌سزا می‌گفت طوری کسانی را که در محوطه مجلس بودند به هیچان آورد که همه به‌آغوش می‌گرفتند. رئیس مجلس تصمیم گرفت به سعادت با دیردولی با وجود محافظت گارد بعد از چندمتری که از مجلس دور شد مورد حمله مردم قرار گرفت. شیشه‌های اتوموبیل‌ها را با سنگ و چوب شکستند تا چاربرگشت. از ساعت ۱۱

تعداد جمعیت در بهارستان بحدی رسیده بود که دیگر هیچ وسیله‌ای قادر به جلوگیری نبود و بدین ترتیب آثار خشکی و همچنین نا فرمانی از دستور فرماندهان نظامی در میان سربازان نمایان می‌شد بطوریکه فرماندهان واحدها روحیه خود را باخته بودند. در این موقع به جمعیت بهارستان خبر رسید که در میدان سه یک سرهنگ ارتشی از تانک بیرون آمده و با گون‌های خود را کشته و فریاد دزده است من بطرف مردم شلیک نمی‌کنم. ساعت ۴ بعد از ظهر

حسین علا وزیر دربار رمتن رسیده رفت و بنا به اظهار یک شاه‌دعینسی (ارستجانی) عیناً گفت: جناب اشرف لاید از اوضاع شهر اطلاع دارید. در تهران نزدیک پانصد نفر کشته شده‌اند. قوام پرسید شما از کجا می‌دانید. علا گفت، فرماندار نظامی اطلاع داده است. قوام تنها عکس‌العملی که نتوان داد این بود که با قیافه برافروخته گفت: فرماندار نظامی چرا به من که رئیس دولت هستم اطلاع نمی‌دهد؟ همین موقع به قوام اطلاع دادند که نیروهای انتظامی شهر را ترک کرده‌اند و مردم کلانتری‌ها را اشغال کرده‌اند. ساعت ۵ بعد از ظهر

قوام السلطنه به دربار رفت و استعفاء خود را به شاه تقدیم کرد. حدود ساعت پنج و نیم حسین علا وزیر دربار به مهدس رضوی رئیس فراکسیون نهضت ملی اطلاع داد که قوام استعفا کرده است و دستور اکید داده شده که نظامی‌ها به سربازان زخا نه‌ها برگردند. پس لازم است که آقا یان فراکسیون نهضت ملی خودشان امنیت شهر را مورد توجه قرار دهند. فراکسیون نهضت ملی برای حفظ نظم و امنیت شهروان نتشار خبر استعفاء قوام اقدام کرد. مردم این پیروزی بزرگ خود را با شور و هیجان غیرقابل توصیف استقبال کردند. ساعت ۷ بعد از ظهر

جمعیت کثیری در مقابل منزل دکتر مصدق اجتماع کردند. مصدق در برابر بقیه در صفحه ۳

در نقاط مختلف شهر تظاهرات پراکنده‌ای مردم را با نیروهای نظامی و انتظامی درگیر کرده بود. زدو خورد شدیدی در میدان بهارستان بین اعضاء حزب ایران و دیگر دستجات ملی با پلیس روی داد که به خیابان‌های اطراف بخصوص شاه‌آباد کشیده شد و تا نگاه به طرف مردم حمله بردند. زدو خورد به

زودی در تمام شهر بخصوص در حوالی با زار و سیزه میدان شدت گرفت و تعدادی از تظاهرات کنندگان زخمی شدند. تعداد کشته شدگان به روایت‌های مختلف بین ۴۰ تا ۸۰ نفر ذکر شد و روزنامه‌های زیر سانور تعداد زخمی شدگان را ۷۰ نفر در بهارستان سینا - ۴۰ نفر در بهارستان شهربانی ۱۲ نفر در بهارستان شیروخورشید ذکر کردند. در آبادان نیز از تظاهرات مردم تعدادی کشته و زخمی بجا ماند و زنی زینت‌نک کشته شد. در شهرهای دیگر و بخصوص در کرمان، رشت، تبریز، مشهد، رضاشاه و صفهان تظاهرات شدیدی صورت گرفت.

نمایندگان مجلس عذوبه‌هایی که از این هنگام فراکسیون نهضت ملی تا میده می‌شد - جلسه‌ای به ریاست مهدس رضوی تشکیل دادند و پیش‌نویس یک تلگرام به شاه و یک اعلامیه خطاب به ما مورین انتظامی را در اختیار خبرنگاران گذاشتند.

۳۰ تیرماه

از جان خود گذشتیم - با خون خود نوشتیم یا مرگ یا مصدق.

ساعت ۴ صبح

مردم تهران و بخصوص ساکنان حوالی میدان بهارستان با صدای کامیون‌های نظامی متعددی که آه‌آه به بر نیروهای نظامی قبلی از پادگان‌های مختلف و اطراف شهری رسیدند و نیرویی ساده می‌کردند، بیدار شدند. بلافاصله تا نگاه و زره پوش‌های دیگری در نقاط مختلف شهر موضع گرفتند.

ساعت ۵

میدان بهارستان در صورتیکه قلععه نظامی در حال جنگ را بخود گرفته بود، تا نگاه و زره پوش‌ها به خصوص در داخل خیابان‌های شاه‌آباد - صفی‌علی‌شاه - بهارستان - دروازه شمیران و اکباتان موضع گرفته و روی پشت‌بام‌ها سنگ‌ریزنی شده و مسلسل‌های سبک کار گذاشته شده بود.

ساعت ۶

رئیس مجلس به مجلس آمد و دستوراتی به رئیس‌گارد مجلس داد. آن عده از نمایندگان فراکسیون نهضت ملی که شب در مجلس نما نه بودند به مجلس آمدند. اما از آن ۴۱ نفر نما بنده‌ای کسب به قوام السلطنه رای داده بودند هیچ‌کدام جرئت نکردند بیایند.

ساعت ۷

جمعیتی که از خیابان‌های منتهی به بهارستان پیش می‌آمدند و بیعت مانعت سربازان نمی‌توانستند و رد می‌شدند بشنوند در خیابان‌ها متوقف شده بودند و هر لحظه به تعداد آن‌ها افزوده می‌شد. هنوز زدو خوردی پیش‌نیا مده بود و کسانیکه قصد ورود به میدان را داشتند با ضرب قنداق تفنگ و باتون به عقب راننده می‌شدند.

ساعت ۸

سیل جمعیت خیابان‌ها، بخصوص خیابان شاه‌آباد صف سربازان را بهم ریخت و مردم به میدان بهارستان وارد شدند. در مدت کوتاهی جمعیت زیاد و وارد میدان شد و سربازان و ما موران انتظامی در کنار تا نگاه و زره پوش‌ها موضع گرفتند. کمی بعد از گوشه جنوب غربی میدان فریادهائی به هوا خواهی مصدق برخاست و شعار "از جان خود گذشتیم - با خون خود نوشتیم - یا مرگ یا مصدق" به وضوح شنیده شد. افراد پلیس به آن طرف حمله بردند و زدو خوردی شروع شد.

ساعت ۹

سیل جمعیت دیگری از خیابان شاه‌آباد به طرف میدان سرازیر شد و پیشا پیش جمعیت نشن نخستین کشته روز، بروی

گفتگو با دکتر منوچهر رزم آرا:

رژیم اسلامی پزشک جلاد می خواهد

دکتر منوچهر رزم آرا، وزیر بهداشت دولت شایسته، متخصص بیماری های قلب و استداداشکده پزشکی، که از جمله اعضای هیئت مدیره نظام پزشکی ایران بود (تا سال ۱۳۵۵)، درباره اعتصاب پزشکان و اعتراض آنان به لایحه دولت اسلامی که هدف آن انحلال این سازمان صنفی و علمی است، به قیام ایران چنین گفت:

"از سال ۱۳۵۷ نزدیک به هفت هزار پزشک ایران را ترک کرده اند. در اوایل آن سال جمعا ۱۶ هزار پزشک داشتیم و به این ترتیب اینک جا مع ما با کمبود شدید پزشک روبروست که این کمبود از کیفیت درمان به طرز غم انگیز گشته است. علاوه بر این، رژیم اسلامی با ادامه جنگ پیوسته و برقراری، امکانات موجود پزشکی و درمان را هر چه بیشتر از مردم سلب می کند و در خدمت جبهه های فرارمی دهد. در چنین شرایطی پزشکان ایران که ناچار از خدمت در جبهه ها هستند، فرصتی برای بازآموزی و مطالعه و تحقیق ندارند.

حرفه پزشکی، حرفه ای ویژه با مسئولیت های خطیر است. از دیدگاه پزشکی، در جامعه از منزلتی خاص برخوردار بوده اند، زیرا تنها مقدس ترین و وظیفه آنان نبرد با بیماری و مرگ است، بلکه بعنوان یک رازدار و مرداطمینان جایگاه ویژه ای در نزد خانواده ها و مردم دارند.

مقامات جمهوری اسلامی بدون توجه به این مسئولیت های خطیر و سوگندی که هر پزشک با دمی کند، با وقاحت تمام از پزشکان می خواهند بعنوان مأموران امنیتی آنان در اختیار رژیم باشند. پزشکان ایران از این با بابت رنج بسیار می کشند زیرا با رهاپیش می آید که مخالفان رژیم درگیر با زخمی و تیرخورده به مطب و یا بیمارستانی منتقل می شوند و وسیله پزشکی تحت درمان قرار می گیرند. اما مأموران رژیم بلافاصله سرب می رسند و از پزشک معالج می خواهند که نام و نشان بیمار را در اختیار آن ها قرار دهد. اکنون برای این، به دفعات بیشمار پزشکان ایران شا هدی بوده اند که با سدا ران خونخوار رژیم بین مجروحان را از روی تخت بیمارستان به زندان منتقل کرده اند و برخی از پزشکان که اعتراض کردند و بسا به وظیفه و شرایط حرفه ای خود ایستادگی کردند همراه با مجروح به زندان افتادند.

دکتر منوچهر رزم آرا، در این مورد به قانون قصاص اشاره می کند و وضع دشوار پزشکان را در این موضوع چنین وصف می کند:

"بنابر قانون قرون وسطای قصاص، استبداد دینی حکم به قطع دست و

گوش و کندن چشم می دهد. در این مورد، مأموران رژیم مدت ها پزشکان را تحت فشار قرار می دادند که دست و گوش و دیگر اعضای محکومان را قطع کنند. چنین چیزی مخالف با روح سوگندی است که پزشکان یاد کرده اند. هیچ پزشکی نمی تواند و حق ندارد، عضوی از شخصی را بفرعونیا قطع کند. دولت اسلامی که در این باره با ایستادگی اکثریت پزشکان روبرو شد، خود به "ختراع" مابین قطع دست و انگشت همت گماشت و از پاسداران جلاد خود کسان را مأمور قطع اعضاء محکومین قانون قصاص کرد.

این درگیری های اصولی که از وظایف و وجدان حرفه ای پزشکان ناشی می شود، جمهوری اسلامی را به تدریج در برابر اطمینان ایرانی قرار داد.

تا آنجا که دولت خمینی با تنظیم یک لایحه، تصمیم به انحلال نظام پزشکی گرفت. رژیم استبداد دینی پس از تصویب این لایحه، عملا نظام پزشکی را با انتصاب آقای دکتر منافی بعنوان دبیرکل نظام منحل کرده است.

"آقای دکتر حقیقی، طبیب برجسته و با فضیلتی است که طی سالهای اخیر، نظام پزشکی را با تحمل مشقات و ناراحتی های بسیار محفوظ نگاه داشته است. دکتر حقیقی از احترام شایسته توجیبی در میان پزشکان و جامعه ایرانی برخوردار است. چندی پیش یکی از بستگان دکتر حقیقی درگذشت و در مراسم یادبود و ختم این خویشتاوند دکتر حقیقی چنان انبوه بیماری از مردم تهران، از هر گروه و طبقه، شرکت جست بودند که مقامات رژیم به وحشت افتادند. پس از آن مراسم که مصادف با اعلام اعتراض نظام پزشکی به لایحه دولت بود، دکتر حقیقی را توقیف کردند که در زندان دچار سکت قلبی شد. من چند سال پیش افتخار درمان دکتر حقیقی را به علت نارسایی قلبش داشتم.

یک عمل جراحی نیز روی قلب این پزشک عالیقدر انجام شده بود، توقیف و بدرقاری مأموران رژیم خمینی، قلب آسیب پذیر دکتر حقیقی را دچار ضربه شدید کرد.

"نظام پزشکی بعنوان سازمانی علمی به بازآموزی و مطالعات و تحقیقات پزشکان توجه داشت و در راه پیشرفت علمی جامعه پزشکی نقش موثری ایفاء می کرد. با انحلال این سازمان، پزشکان از یک مرکز فعال صنفی و علمی محروم خواهند شد.

اعلامیه نهضت مقاومت ملی ایران در پشتیبانی از حرکت اعتراضی پزشکان

حرکت اعتراضی پزشکان ایران در مقابل لایحه جدیدی که دولت جمهوری اسلامی به مجلس اسلامی داده با عکس العمل خشن و ضد انسانی رژیم روبرو شده است. به موجب این لایحه عملا نظام پزشکی این تنها سازمان صنفی که تا کنون با همت پزشکان ایران از تصرف عوامل حزب الهی مومن مانده بود به یک زان شده دولتی تبدیل خواهد شد. زیرا برای نفوذ عناصر حزب الهی در این سازمان صنفی اصل انتخاباتی بودن مراجع نظام جای خود را به انتصاب حکومتی خواهد داد.

رژیم بیشتر مانع حق طلبی پزشکان را با انحلال نظام پزشکی و بازداشت دکتر حقیقی رئیس نظام پزشکی و چند تن دیگر از پزشکان سرشناس کشور با سخ گفته است. ولی علی رغم همه تهدیدها و فشارها پزشکان ایران روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه ۶۵ اعلام کردند که چنانچه پزشکان بازداشت شده بی درنگ آزاد شوند و دولت لایحه جدید را مسترد ندارد در آغاز ماه آینده به یک اعتصاب ۷۲ ساعته در سطح کشور دست خواهند زد.

نهضت مقاومت ملی ایران با جلب توجه همه سازمان های بین المللی نسبت به حقوق پایمال شده پزشکان ایران و عکس العمل خونت آمیز و ضد بشری رژیم، هماکنون که از آغاز، حمایت بیدریغ خود را از این حرکت حق طلبانه برقرار داشته است، با تأکید بر خواست های این قشر خدمتگزار که در سخت ترین شرایط زیستی و حرفه ای به خدمت صادقانه خود ادامه می دهند از کلیه هموطنان خود، خاصه از جامعه دانشگاهیان ایران و دانشجویان و استادان دانشگاه می خواهد، با پشتکار و مصیبت و احساس مسئولیت پزشکان را یاری دهند و پشت در پشت آن ها تعرض و تهدید دولت ضد ملی و ضد آزادی را عقیم گذارند.

ایران هرگز نخواهد مرد
نهضت مقاومت ملی ایران

اعتصاب های دیگر در پیش است

موج اعتراض پزشکان بالایی گیرد

بقیه از صفحه ۱

نظام پزشکی، هفته آینده به مدت ۴۸ ساعت اعتصاب خواهد کرد و در صورتی که دولت اسلامی، لایحه نظام پزشکی را از مجلس پس نگیرد در روزهای هفتم، هشتم و نهم مرداد دست به اعتصاب گسترده تری خواهد زد.

گزارش دیگری حاکی است که مأموران رژیم، با زده پزشک بازداشت شده را به قم، به خانه آیت الله منتظری بردند تا وی با تصایح خود، آن ها را از ادامه مخالفت با لایحه جدید نظام پزشکی بازدارد، اما از آن جا که پزشکان توقیف شده، حاضر به قبول سخنان منتظری نشدند، مأموران رژیم، آن ها را به نقطه نا معلومی بردند. دکتر ترقی رضوی، دکتر ملکی، و دکتر برومند در میان بازداشت شدگان قرار دارند.

روزهای ۱۶ و ۱۷ ژوئیه، عوامل رژیم به خانه های چند تن از بانوان پزشک ریختند و به غارت اموال و تخریب منازل آن ها پرداختند. در این میان، رژیم که متوجه شد داروسازان و داروخانه داران نیز از پزشکان حمایت به عمل می آورند، چند روزی در تهران تعطیل کرده اند.

دولت میرحسین موسوی که در برابر مقاومت شدید پزشکان، سخت درمانده شده است، به قصد خنثی کردن مقاومت

ده هزار تن از آنان جلای وطن کرده اند. می گویند به وظایف خود عمل کند، با تنظیم لایحه جدید که این نظام را متلاشی می کند، برای دفاع از سازمان علمی و صنفی به حرکت های اعتراض آمیز برخاست.

از روز سیزدهم ژوئیه، درگیری های میان دولت اسلامی و عوامل سرکوبگر آن با پزشکان معترض، خصمانه و خونت آمیز شده است که گزارش های رسیده در این باره را از نظارتان می گذرانیم:

● گروهی از پزشکان عضو نظام پزشکی قعدا رند علیه میرحسین موسوی اعلام جرم کردند.

آن ها می گویند نخست وزیر جمهوری اسلامی، با منحل کردن هیئت مدیره سازمان نظام پزشکی و انتصاب دکتر منافی به عنوان دبیرکل این نظام، در حقیقت، قانون نظام پزشکی را که در سال ۱۳۳۹ تصویب شد و تصویب احتمالی قانون جدید، ملاک عمل خواهد بود، زیر پا گذاشته است.

گزارش دیگری حاکی است در حالی که موج تارنایی در جامعه پزشکان ایران بالا می گیرد، رژیم دستور قطع تلفن چند تن از پزشکان سرشناس تهران را صادر کرد.

● پزشکان تهران اعلام کردند که در صورت آزاد نشدن یا زده تن از مسئولان

مراجعت شرکت نفت انگلیس را به ایران غیرممکن می سازد. دکتر محمدق ما مورتشکیل کابینه شد و بیست وزارت جنگ را شصا "بعهد گرفت و لایحه اعطای اختیارات برای مدت شش ماه در جلسه ۲۵ مرداد ۱۳۳۱ به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسید.

پس از قیام مقدس ملی

مصدق در مرداد ماه دولت جدید خود را تشکیل داد. بیست وزارت دفاع ملی را شصا "عهده دار شد.

قیام ۳۰ تیر به موجب قانونی که در مرداد ۳۱ به تصویب مجلسین رسید به نام "قیام مقدس ملی" شناخته شد و قانون اعطای اختیارات شش ماهه در مرداد به تصویب رسید.

دکتر مصدق برنا مه دولت جدید خود را در ماده تنظیم کرد:

- ۱ - اصلاح قانون انتخابات
- ۲ - اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه و تقلیل مخارج و برقراری مالیات های مستقیم.
- ۳ - اصلاح امور اقتصادی به وسیله افزایش تولید و ایجاد و اصلاح قوانین پولی و بانکی.
- ۴ - بهره برداری از معادن کشور

- ۵ - اصلاح سازمان های اداری و قوانین استخدامی و گشاورتی و قضائی.
- ۶ - ایجاد شورای محلی در دهات بمنظور اصلاحات اجتماعی.
- ۷ - اصلاح قوانین دادگستری.
- ۸ - اصلاح قانون مطبوعات.
- ۹ - اصلاح امور فرهنگی و بهداشتی و وسائل ارتباطی.

متعاقبا "قوانینی مانند انشاء عوارض مالکانه - صدی بیست و گشاورتی - ملی کردن جنگل ها - تعلیمات اجباری - بیمه های اجتماعی کارگران به مسوا د نهگانه ا فافه شد.

در باره فعالیت های شگفت آور اقتصاد و اجتماع دولتی دکتر مصدق از قیام ۳۰ تیرماه ۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بعلمت محدودیت صفحات نشریه فرصت بحث نیست تنها به ذکر یک نمونه اکتفا میکنیم که در پایان سال ۱۳۳۱ علی رغم تمام تضییقات استعماری برای نخستین بار ارزش واردات و صادرات کشور تا دل پیدا کرد و همچنین برای اولین بار در تاریخ ایران بودجه سال ۱۳۳۲ از حیث درآمد (بدون درآمد نفت) و از حیث هزینه (به اضافه مخارج شرکت نفت) و بدون محاسبه اضافه درآمد احتمالی، کاملا متعادل بود.

قیام ملی ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱

بقیه از صفحه ۲

جمعیت ظاهر شد و در حالی که بشدت می گریست گفت: "ای گاش من مسرده بودم و ملت ایران را این طور عزادار نمی دیدم." و وقتی آرام گرفت افزود: "مردم، من به جرئت می گویم که استقلال ایران از دست رفته بود و شما بسا رشادت و فداکاری خود آن را پس گرفتید." کمی بعد خبر پیروزی ایران در دیوان دادگستری لاهه به تهران رسید و مردم بار دیگر در برابر خانه مصدق به تظاهرات پرشوری دست زدند.

۳۱ تیر

در تهران دیگر از افراد پلیس و سربازان زور خیابان ها اثری دیده نمی شد حفظ نظم شهر به عهده یک عده از جوانانی بود که به سینه خود توارسیا هی نصب کرده بودند و

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین المللی

جنگ سوریه با حزب الله؟

روزنامه کوتیدین چاپ پاریس مورخ ۱۶ ژوئیه ۸۶ نوشت: سوریه که زمانی خود عوامل جمهوری اسلامی را به لبنان آورد...

کوتیدین می نویسد: روزنامه النهار چاپ لبنان، اخیراً تأیید کرد که هدف سوریه از اعزام نیروی نظامی به محله غرب بیروت، در درجه اول آزادی گروگان ها...

استقرار نیروهای سوریه در بیروت غربی در حال نشان دهنده آن است که سوریه قصد دارد با ردیگر نقش رهبری خود را در لبنان بازیابد...

گزارشگر ویژه کوتیدین در بیروت، گزارشی را جمع به افاضه حیات لبنان که به مواظقت سوریه وارد لبنان شده و اکنون حافظ اسد قصد دارد به نفوذ آنها خاتمه دهد...

وضع برای حزب الله در بعلبک بسیار سخت شده است. گوئی خدا حزب خود را بحال خود برآورده است. واقعیت اینست که بنیادگرایان اسلامی دیگر آن چیزی نیستند که قبلاً بود...

اما حافظ اسد، رئیس جمهوری سوریه کسی نیست که شکست را به سادگی بپذیرد. او تصمیم گرفت برگ دیگری رو کند و نفوذ خود را در لبنان از طریق جمهوری اسلامی افزایش دهد...

مسیحیان، تحت فشار حزب الله ترجیح دادند که بعلبک را ترک کنند و شهرتاریخی بعلبک تبدیل به تهران دوم شد. در دیوار شهر با شعارهای جمهوری اسلامی سیاه شد...

البنیه جمهوری اسلامی، برای رسیدن به این هدفها زل کردن سرکیشه خود را ری نکند به زنی که حجاب اسلامی می پوشیدند...

آماده بودند به نام الله به هرکاری دست بزنند. در آن زمان هدف سوریه و جمهوری اسلامی در لبنان مشترک و عبارت از زیور کردن غرب بود...

از ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ بعلبک قلمه گساده حزب اللهی ها می شد که حتی حاضر بودند برای رفتن به بهشت دست به عملیات انتحاری بزنند...

اما در دسامبر ۱۹۸۵، زمانی که سوریه در شرف دست یافتن به موافقت نامه ای در لبنان بود، حزب الله به صورت مزاحم وی جلوه گرفت...

بدین ترتیب سربازهای سوریه وارد شهر بعلبک شدند. شعارهای جمهوری اسلامی زیر قشری ازرتک سفید پوشیده شد و ساداران انقلاب به دوسه سرباز خاندای که هنوز در اختیارشان بود خیزیدند...

سوریه برای قطع راه بعلبک به بیروت آشوبهایی در مشرفه برآه انداخت و سپس نیروهایش را برای برقراری نظم در آنجا مستقر کرد...

جمهوری اسلامی که از اقدامات سوریه و همچنین گزارش های مربوط به بهبود روابط سوریه و عراق به وحشت افتاده بود، علی محمداشرفی قائم مقام وزارت امور خارجه را به دمشق فرستاد...

کوتیدین در پایان می نویسد: آیا سوریه بدینال از بین بردن نفوذ حزب الله در بعلبک و مشرفه حومه جنوبی بیروت گفته میشود گروگانها در آنجا اسیرند...

کوتیدین چاپ پاریس - ۱۶ ژوئیه ۸۶

هدیه به ریگان

هفته نامه آفریقای جوان در ستون خبرهای اختصاصی خود نوشت: حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه قصد دارد با آزاد کردن حداقل سه تن از هفت تن گروگان امریکائی در لبنان که در دست نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی و دمشق اسیر هستند...

سوری طی سفری به تهران در ۱۹ تیرماه، طی مذاکراتی پیچیده و خسته کننده سرانجام موفق شد، موافقت رژیم جمهوری اسلامی را برای آزاد کردن این عسده بدست آورد...

در بین کسانی که قرار است به گفته آفریقای جوان، آزاد شوند، نام "تیری آندرسون" روزنامه نگار امریکائی دیده می شود. احتمالاً دمشق نام ما رسل گارتن دیپلمات فرانسوی را نیز در این فهرست قرار داده است...

آفریقای جوان - ۲۳ ژوئیه ۸۶

اسارتگاه گروگانها

به نوشته روزنامه "لوماتن" چاپ پاریس مورخ ۱۸ ژوئیه ۸۶، موضوع گروگان های فرانسوی در لبنان، محور گفتگوهای مقامات فرانسوی با عبدالحمید خدام معاون ریاست جمهوری سوریه راطی اقامت ۲۸ عتسه اش در پاریس تشکیل می داد...

خدمات که به مردشماره ۲ سوریه معروف است، در کنفرانس مطبوعاتی که دیروز در پاریس برگزار شد ترتیب داد اعلام کرد: سوریه همچنان به گسترش تلاش های خود، به منظور آزادی گروگانها ادامه می دهد...

وی در پاسخ سئوال خبرنگاران را جمع به محل اسارت گروگانها گفت: از محل زندانی بودن آن ها دقیقاً اطلاع ندارم، اما مطمئنم است که آن ها در دره بقاع نیستند بلکه در مناطقی دیگری بر سر می برند که نیروهای سوری در آنجا حضور ندارند...

در حالی که اکنون دوهفت ماه از ورود نیروهای سوریه به غرب بیروت می گذرد عبدالحمید خدام بار دیگر ضمن ابراز رضایت از دیدارهای خود با رئیس جمهور، نخست وزیر و وزیر امور خارجه فرانسه گفت: فرانسه کاملاً اهداف سوریه را در لبنان درک می کند...

وی افزود: سیاست سوریه در لبنان عبارت است از حفظ وحدت ملی لبنان و برقراری تفاهم بین همه جناح ها...

خدام گفت: تنها روهی بعضی شبه نظامیان لبنان با طرح امنیت سوریه مخالفت می کنند. به گفته وی حتی حزب الله لبنان نیز تعهد کرده است که طرح امنیت لبنان را اجرا کند...

خدام، پس از تسلیم پیام حافظ اسد به فرانسوا میتران، دیروز پاریس را به سوی دمشق ترک کرد...

به نوشته "لوماتن بزودی کارشناسان فرانسوی برای بررسی راه های توسعه همکاریهای بازرگانی و فرهنگی بین دو کشور به سوریه خواهند رفت...

لوماتن ۱۸ ژوئیه ۸۶

تلفن خبری

همه پنهان عزیز! هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران شما در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد. شماره تلفن: ۸۵ - ۸۵ - ۲۶ - ۲۳ پاریس

دیپلماتهای خمینی

ما هنا نه " اسپکتاکل دوموند " چاپ پاریس (ژوئیه ۸۶): گزارش مفصلی در باره نقش جمهوری اسلامی و سران آن در تروریسم بین المللی، با عنوان: "دیپلمات های خمینی" به چاپ رسانده است که بخش هایی از این گزارش از نظر تان می گذرد:

در ماه ژوئن ۱۹۸۴ یک تیپ مستقیم تروریستی به سرپرستی میرهاشم در تهران بوجود آمد...

شورای عالی انقلاب که در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد و اینک تحت سرپرستی میر حسین موسوی نخست وزیر قرار دارد، عملیات این تیپ را هماهنگ می کند. از همین زمان نقش جمهوری اسلامی در شبکه های تروریسم بین المللی در لبنان و بعداً در اروپا اهمیت یافت...

دادستان کل جمهوری اسلامی حجت الاسلام خوئینی ها، در این شبکه ترور نقش بسیار عمده ای برعهده دارد...

محمد خوئینی ها در سال ۱۹۳۵ در یک خانواده مهاجر قفقازی در ایران به دنیا آمد. چهره وی برای اولین بار در ماهی گروگان گیری دیپلمات های امریکائی در تهران، به عنوان سرپرست گروگان گیری شناخته شد...

در سال ۱۹۴۱ هنگام حمله شوروی به ایران، خانواده وی طرفداری خود را از شوروی اعلام کرد و در وقایع آذربایجان در سال ۱۹۴۶ عمده وی سرپرستی شبه نظامیان محلی جدا شد...

پس از دیدن دوره های لازم در دانشگاه پاریس لوموسیا در مسکو به برلین شرقی آمده بود و از آنجا با خمینی ارتباط دائم داشت. در سال ۱۹۷۸ سر و کلیه او در مسجد کوچک در تهرانی پنهان شد...

در بخش دیگری از گزارش آمده است: آشوب افکنی بین مسلمانان دیگری کشورهای جهان به دیپلمات های جمهوری اسلامی سپرده شده است...

شیخ الاسلام، این تروریست است با سابقه هنگام تحصیل در آمریکا از سوی اف. بی. آی. به علت فعالیت های علیه جنگ ویتنام انجام می داد شنا سائی شده بود...

خداوند می کند و است. اما گفته نمی شود واقعتاً اینست که این سه سال زندگی خانمهای بین دانشگاه پاریس لوموسیا در مسکو وارد گاه های تعلیمات نظامی در شوروی میسر می شود...

ایرانیان مدت ها ست پی برده اند که این ملا ما نندروخا نیون سخن نمی گوید. وی که ناطق زبردست است در نطق های خود بسیار ازواژه های مارکسیستی استفاده می کند و در مجادلات دیا لکتیکی بی طولانی دارد...

آیت الله ری شهری وزیر امنیست جمهوری اسلامی، نیز سالها در اردوگاههای تروریستی "ژرژش" دوره دیده است. اکنون در ایران با یگا ه های متعدد بقیه در صفحه ۱۰

فرهنگ ایران

یادداشت‌های پراکنده

داستانی از شاهنامه - کرم هفتواد

اردشیر و هیواد

محمد جعفر محبوب

آن بخش از شاهنامه که به شرح دوران ساسانی اختصاص یافته، کم و بیش با تاریخ‌های معسرف و از قبیل طبری و مسعودی و ثعلبی و دیگران منطبق است. با این حال نمی‌توان میان بخش حماسی و بخش تاریخی شاهنامه خط فاصلی کشید و گفت: تنها این جابجی حماسی و آمیخته به افسانه است، و از این جابجی تاریخی آغاز می‌شود و قلمرو افسانه‌ها با این می‌یابد. به همین دلیل است که سرگذشت نخستین پادشاهان ساسانی، گرچه وجود واقعی تاریخی دارند و بسیاری از حوادث روزگارشان جنبه تاریخی دارند، باز با افسانه آمیخته شده است. در این میان اردشیر بابکان، بنیان‌گذار سلسله ساسانی و شاه پور اول پیش از دیگر پادشاهان ساسانی وارد عرصه افسانه شده‌اند، گویا که بسیاری از شاهان متأخر ساسانی هم از نفوذ افسانه‌ها برگزیده شده‌اند.

یکی از افسانه‌هایی که وقوع آن به دوران اردشیر بابکان نسبت داده شده داستان بسیار زیبایی کرم هفتواد است. در آثار بازمناخته به زبان پهلوی رساله‌ای هست به نام کارنامه اردشیر بابکان که متن پهلوی و ترجمه فارسی آن (از روان شمساد صادق هدایت و دیگران) بارها به چاپ رسیده و انتشار یافته است. در این کارنامه افسانه‌های منسوب به اردشیر، و از آن جمله کرم هفتواد، یاد شده و فردوسی این داستان را بارها با نامت و در عین حال با قصه‌های زیبایی تمام به نظم آورده است. داستان مربوط به روزگار طلوع اردشیر و دوران نبرد او برای به دست گرفتن قدرت است. صحنه این داستان در کرمان می‌گذرد. فردوسی وجه تسمیه کرمان را یاد می‌کند و آن را به محل زندگانی کرم معنی می‌کند و اشارت می‌دهد که کرم هفتواد است. اما این وجه تسمیه و آن ترجمه اصل علمی ندارد و از مقوله «ریشه‌شناسی عوامانه» است. به روایت فردوسی کرمان در آغاز «کجرا» نام داشته است. اینک داستان:

ز شهر کجرا ن به دریای پارس
که گوید زیلا و پهنای پارس
یکی شهر بُد تنگ و مردم بسی
ز کوش بُدی خوردن هر کسی
در آن شهر دختر فراوان بُدی
که بی کام و جوینده نان بُدی
این دختران هر روز در جایگه‌های نزدیک کوه گرد هم می‌آمدند. هر یک از آنان خوراکی برای خود پختن می‌داشت و مقداری پنبه و دوکدانی از چوب‌خسنگ (دوکدان: چینه‌ای که دوک‌ها را در آن گذاشتند) و نزدیک دروازه شهری آمد و همه با هم به نزدیک کوه می‌رفتند و خوراکی‌ها را یک‌جا می‌کردند و بیسایه می‌خوردند و تا شب به کار رفتن پنبه می‌پرداختند و شب هنگام که به خانه بازمی‌آمدند، تمام پنبه‌ها به ریسمان بدل شده بود.

بدان شهری چیز و خرم نهاد
یکی مرد بد نام او هفتواد
بدین گونه‌بر، نام او از چه رفت؟
ازیرا که او را پس بود هفت
گرامی یکی دخترش بود و بی
که شمردی او مهتران را به کس
مردی در آن شهر بود که چون هفت پسر داشت او را هفتواد می‌گفتند. هفتواد تنها یک دختر داشت که او را نیزیبا و وجود عزیز بود نزدیک و ما در وی کدانه دختر بودن، با دیگر دختران به نزدیک کوه می‌رفت و پنبه می‌رشت؛ چنان‌که آن دختر نیک بخت
یکی سیب افکنده با دادرخت
به‌ر بر، بدید و سبک برگرفت
کنون بشنوی این داستان شگفت:
وقتی دختر نیزیبا سیب پاد زده را به دندان برد و نیسی از آن را گاز زد، کرمی ضعیف درون سیب یافت. از سرمهریانی آن کرم را با دوا نگشت برداشت و بیسه نرمی در دوکدان گذاشت و چون می‌خواست پنبه برای رشتن از دوکدان بردارد با خود گفت: من امروز به طالع این کرم پنبه می‌ریسم. دختران بدین گفته خندیدند، اما دختر در آن روز ویرا بر روزهای دیگر نخ ریست. شب‌ها در آن به خانه رفت و ورشته‌ها را به مادر بنمود. از آن روز دختر بر مواظبت کرم همست گماشت و هر روز میزان نخ رشتن او افزونی می‌گرفت تا: چنان‌که یک روز مام و پدر
بگفتند با دختر برهنه
که چندان بریسی، مگر با پیری
گرفتستی، ای پاک‌تن، خواهی
سبک سیم بر، پیش مادر بگفت
از آن سبب و آن کرم که اندر نهفت
همان کرم فرخ بدیشان نمود
زن و شوی را روشنایی فرود
هفتواد پدر دختر نیزیبا طالع کرم را نه‌فان نیکو گرفت

و هر کجا که می‌کرد به طالع وی می‌کرد. روزگاری بر این ماجرا بگذشت، این خانواده از مواظبت کرم چیزی فروگذار نکردند تا رفته‌رفته بزرگ شود و کد آن برتن او تنگی می‌کرد. هفتواد بفرمود تا صندوقی سیاه ساختند و کرم را در آن جای دادند و به طالع کرم هر روز کرم هفتواد در تنقی بود تا مردی توانگر و صاحب نفوذ و پر قدرت شد. حاکم شهر خواست تا او را بیاورد و از او چیزی بگیرد، اما مردم بر هفتواد انجمن شدند و به جنگ با حاکم کجرا ن برخاستند. هفتواد به جنگ رفت و حاکم را گرفت و بگشت. پس: به نزدیک او مردم انبوه شد

ز شهر کجرا ن سوی کوه شد
یکی دژ بگرد (= بساخت) از بر تن کوه
شد آن شهر با او همه هم‌گروه
نهاده بر آن دژ دری آهین
هم‌آرامی گشت و هم‌جای کین
وقتی هفتواد به دژ درآمد، دیگر صندوق نیز برای کرم کوچک شده بود. بفرمود تا در دژ حوضی از سنگ ساختند و کرم را که اکنون از دهایی شده و رویین تن بود و سلاح بر او کار نمی‌کرد در آن گذاشتند. مردم را به پرستش کرم واداشت و خدمتگاران چند برای پرستاری وی گماشت که هر روز دیگی برنج و شیر و گرمی پختند و بدومی دادند.

برآمد بر این کار بر چند سال
چوبیلی شد آن کرم با شاخ و ویال
چو یک چند بگذشت بر هفتواد
مر آن کرم را نام، کرمان نهاد
همان دخت او بد نگهدار
بدرگشته جنگی سپدار کرم
در همین روزگار اردشیر برای یک رویه کردن کسار ملک سیاه به سوی کرمان فرستاد. چون هفتواد از این ماجرا آخبریا قوت برای رویا رویی با اردشیر آماده شد و سیاه خود را در کمین گاه در سر راه کوهستان بی دژ بداشت. چون لشکر اردشیر فرار رسید آن از کمین گاه به دژ آمدند و دست بری را از اردشیر گشادند و چندان ایشان بگشتند که خود به ستوه آمدند. آنچه از سیاه زنده مانده بودند، نزد او رفتند. اردشیر، با آن سیاه و سیاه خود را فریاد و گواهی داد تا با زقا و متنی کند، اما لشکریان هفتواد در ایشان تا ختن بردند و ایشان را تا لب آبیگری که پشت ایشان بود را دیدند. در همین اوقات مردی بدنه‌ها را زاهل جهرم به نام مهرک نوش زاد وقت را غنیمت شمرد و به خانه‌اش تاخت و کنج او را سیاه تا راج داد. شب هنگام اردشیر بزرگان لشکر را گرد آورد:

بفرمود تا خوان بیا راستند
می و جام و رامتکران خواستند
به‌خوان بر نهادند چندی بره
به خوردن نهادند سر یکسر
چونان را به خوردن گرفت اردشیر
بیا مدهمانگه یکی تیز تیر
نشست اندر آن پاک فریه بره
که تیر اندر آن فرق شد یکسر
فرورفتن تیری که از بیرون چا در می آمد در تن آن بره موجب نگرانی مهمانان شد. همه دست از خوردن برداشتند و یکی از آنان تیر را از زهر بیرون کشید و دید بر چوبه تیر خطی نقش کرده‌اند. دبیر آن خط را که به پهلوی بود بر خواند. نوشته بودند: ای پادشاه اگر نیک بشنوی، این تیر را با ما در آورده است چه آرامش دژ و ایسته به بخت کرم است و اگر من می‌خواستم آن را به سوی اردشیر می‌انداختم و تیر از بدن وی می‌گشت. اما نباید که کرم چنین شهریاری را از میان بردارد. اردشیر ناگزیر شد پیش از هر کار چاره‌ای برای از میان بردن کرم ببیند. اما در همین حال لشکر هفتواد حمله کرد و سیاه اردشیر را پراکنده ساخت. اردشیر نیز به سوی گریخت و در سر راه خود به خانه‌ای رسید که دو جوان پاکیزه بردار آن ایستاده بودند و بر شکست اردشیر تاء سف می‌خوردند. اردشیر همان ایشان شد و چون از پاک دلی ایشان مطمئن شد خود را بدیشان شناساند و آنان پس از درود و نیایش بدو گفتند:

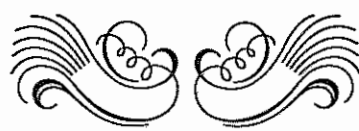
تو در جنگ با کرم و با هفتواد
بسنده‌های گرنیچی ز داد
یکی جای دارند بر تن کوه
بدو اندرون کرم و کج و گروه
به پیش اندرون شهر دریا چه پشت
دژی بر سر کوه و راهی درشت
همان کرم کرمزاهریم است
جهان آفریننده را دشمن است
همی کرم خوانی به چرم اندرون
یکی دیو جنگی است ریزنده خون
اردشیر بدیشان را می‌شنود. تخت به شهر خسود
خره اردشیر بازمی‌گردد، پس از آنک آسایشی به سوی مهرک نوش زاد می‌رود و پراودست می‌یابد و او

خاندانش را تباہ می‌کند. سپس ده هزار سوار گمرد آورده سالاری خردمند به نام شهرگیر را برایشان فرمان دهی می‌دهد و بدومی گوید: من اکنون مانع نیای خویشتن استند و رحیمتی خواهم ساخت (اسفندیار نیز در لبای سبزرگان برای گرفتن گنگ دژ و رهایی خواهران خود رفته بود). شما اگر بر سر دژ در روز دود یا در شب آتش دیدید بدانید که کار کرم یکسر شده است. بتا زید و دژ را بگیرید. سپس:

گزین کرد از آن مهتران هفت مرد
دلیران و شیران روز نبرد
بسی گوهر از گنج بگزید نیز
زدیبا و دینار و هر گونه چیز
به چشم خرد چیز ناسا چیز کسرد
دو صندوق پر سرب و آرز (فلج) کرد
یکی دیگ روئین به بار اندرون
که استاد بودا و به کار اندرون
چو آن کردنی کارها کرد راست
زالار آخور خری ذه خواست
چو خربندگان جامه‌های گلیم
بپوشید و بارش همه زرو سیم
اردشیر با هفت مرد جنگی و آن دو جوانی که راهنمایی او را برعهده گرفتند و ده خرباز را به پای دژ آمد. تعداد خدمتگاران و پرستندگان کرم اکنون به شصت تن رسیده بود. یکی از آنان پرسید: چه درباردارید؟ اردشیر گفت: همه چیز، پیرایه و جامه و سیم و زر و خز و گوهر و دیبا و دینار. ما با زرگان خراسانیم و از بخت کرم بسیار توانگر شده‌ایم و برای پرستیدن کرم آمده‌ایم. در دژ را گشادند و اردشیر را به دژ آوردند. اردشیر بی درنگ با رها را از خزان فرود آورد و دست کرم بر گشاد و هر یک از پرستندگان را چیزی داد. سپس جام شراب را بر کرد و بدیشان عرضه داشت. گفتند ما در موقع خدمت کرم نباید شراب بنوشیم:

چو بشنید بریای جست اردشیر
که با من فراوان برنج است و شیر
به دستوری سرپرستان سه روز
مراورا به خوردن منم دل فرور
مگر من شوم در جهان شهرهای
مرا باشد از اخترش بهره‌ای
شما می‌گسارید خرم سه روز
چهارم، چو خورشید گیتی فرور
بر آید، یکی کلبه سازم فراخ
سراطق بر ترزدیوار کاخ
فروشنده‌ام هم خریدار جوی
فزاید مرا نزد کرم آبروی
پرستندگان مفت خود را نهند و خدمت کرم را به اردشیر و یاران واگذاشتند و خود به می خوردن نشستند و چندان بخوردند تا مست شدند و زبانشان گندی گرفت. آن گاه اردشیر با مدودیک روئین بیا و در سرب و قلعه را

درون آن ریخت و آتش برافروخت...
چون وقت غذا خوردن کرم فرا رسید به نرمی سر را از حوضی که در آن بود بالا آورد و برای خوردن شیر و برنج دهان بگشود. اما اردشیر:
سوی کننده آورد ارزیز کرم
سرا زکنده برداشت آن کرم نرم
فروریخت ارزیز مرد جوان
به‌کنده درون کرم شد تا توان
طراقی برآمد ز حلقوم اوی
که لرزان شد آن کنده و بوم‌اوی
باقی داستان پیدا است: اردشیر نخست پرستندگان کرم را که مست به گوشه‌ای افتاده بودند بگشت و در همان هنگام بریام دژ آتش برافروخت. سیاه‌ها نوری ریختند و دژ را بگرفتند و پیش از هر کار به جستجوی هفتواد و پسر بزرگش شاهوی که سالار لشکر او نیسی بود برخاستند و آن دورا بگرفتند. در پیش دریا دو دار بلند نصب کردند. آنان را زنده بردار کردند و به تیرباران ایشان را بگشت و نیز:
به تا راج داد آن همه خواسته (جمال)
شدا خواسته لشکر آراسته
به دژ هر چه بود از کران تا کران
فرود آوردند فرمان بران
ببخشید نیسی از آن بر سیاه
دگر نیمه برگنج افزود شاه
بگرداند آن کوه آتش‌کنده
بدو تا ز شد مهرگان وسده
سپس اردشیر از آن جای برفت و فرمان روایی آن ناحیه را بدان دو برنا که میزبان و راهنمای وی بودند سپرد.



فرانسه و سوریه

سیاست عربی

سفر رسمی عبدالحمید خدام معاون رئیس جمهوری سوریه به فرانسه وجسوه گوناگونی از تفسیرها را سبب شده است. پس از ده سال، این اولین بار است که یک مقام عالی رتبه سوریه به فرانسه سفر می کند، این سفر اگر با زدی دیدی دیپلماتیک بنا میم، می بینیم که دیدار فرانسوا میتران از سوریه، قریب به یکسال و اندی بعد از آن هم نه به وسیله همتای سوریه ای که با حضور مرد شماره ۲ دمشق دریا بیخت فرانسه، پاسخ داده میشود.

حافظ اسد دریا نژده سال اخیر سردر خاور میانه عربی توانسته است با ورق های برنده و مانورهای حساب شده بازی کند. هم پیمان و متحدش و در همان حال، مبتکر "سیاست سوریه ای" است. سیاست سوریه ای وی بر دو طرد مطلق غرب نیست، با پای می زنیست و با دست پیش می کشد. شاید از این خصیصه ما کیا ولیستی حافظ اسد درسیاست است که به او لقب "بیسارک خاور میانه" داده اند.

عبدالحمید خدام درپاریس با وزیر امور خارجه، نخست وزیر و رئیس جمهوری فرانسه دیدار و گفتگو داشته است. همگان را عقیده بر آنست که حضور خدام در فرانسه فرصت مناسبی است تا دولت مردان فرانسه روند رهایی هفت شهروید فرانسه اسیر در لبنان را سرعت بخشند. این برداشتها تا آنجا پیش می رود که: "کلید نجات گروگان ها منحصر" در دست حافظ اسد است.

اما عبدالحمید خدام در سفر خود به پاریس و طی ساعت های دراز گفتگویی عالی ترین مقامات فرانسه، در چهره رچوب ساء لسه گروگان ها باقی نماند. حافظ اسد در تنگنا های اقتصادی و دشواری های سیاسی که در ماه های اخیر بحران آمیز شده است، در پاریس گریزگاه ها می جویید. از جمله نکات مهمی که در این سفر به آن ها اشاره شد، توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی دو کشور است. فرانسه معنای دقیق گسترش روابط بازرگانی و اقتصادی با سوریه را می فهمد. کشوری که در آن از سال ۱۹۸۴ بحران همه جانبه اقتصادی بخش عمومی و خصوصی را فلج کرده و تولید ملی را تا ۳۲ درصد کاهش داده است به یک معنا، در آستانه خطرهای جدی قرار گرفته است. کنگره هشتم حزب بعث سوریه (۵ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۸۵) بیش از همه مسائل به وضع ناسامان اقتصادی حساسیت نشان داد و حافظ اسد به نوبه خود در سخنرانی ۱۲ مارس ۱۹۸۵ - چنین گفت: "مجازات خطا کاران و مسئولیت برای افزایش تولید، شعار اصلی است." در حال حاضر بخش عظیمی از کارخانه ها تعطیل شده است، سوریه به علت کمبود ارز نمی تواند مواد اولیه ویدکی های لازم را خریداری کند. بیکاری روز افزون سبب مهاجرت های عظیم نیروی کار به کشورهای شریک و متحد عربی شده است و این مشکلات آنجا هندا ردهنده می شود که مردم سوریه در فقری فزاینده با گرانسی

روز افزون نیز روبرو هستند. دوسالی است که کالاهای اساسی سوریه جیره بندی شده است و افزون بر این قطع آب و برق که روزانه روی می دهد، زندگی شهرتین ها را تلخ کرده است.

فرانسه با آگاهی بروضه اقتصادی سوریه، معنای درخواست گسترش روابط تجاری و اقتصادی عبدالحمید خدام را در می یابد. مرد شماره ۲ سوریه، پس از وساطت و فعالیت برای نجات دوتن از گروگان های فرانسی (دوگزارشگر تلویزیون) بطور رسمی، دست کمک دراز کرده است. فرانسه اگر بخواد هد به استمداد پاسخ گوید با بدینخت اعتباری هنگفت به نفع سوریه بگشاید و آنگاه "روابط تجاری دو کشور را توسعه دهد." این امر که چه وقتی فرانسه به وصول طلب خویش موفق خواهد شد، حتماً موضوعی است که مدیران اقتصادی و تجاری پاریس را دلمشغول خود می دارد.

جزاین ها، واقعیت ملموس، حضور موثر و سنگین سوریه در خاور میانه است. درست است که سوریه سه بار تاکنون با اسرائیل جنگیده است، اما شواهد بسیاری در سالهای اخیر در دست است که نشان می دهد حافظ اسد تجربه های تلخ آن ۳ جنگ را تکرار نخواهد کرد. ساء لسه دیگر، استراتژی کلی سیاست عربی فرانسه است.

فرانسه دوازده سال است که در منطقه جانب اعراب را گرفته است. این استراتژی هم تا قدر مبتنی بر واقعیت اقتصادی است که بر مقابله با گسترش نفوذ شوروی در کشورهای عرب. سوریه نیز بتواند یک کشور عربی، در این سیاست عربی فرانسه جای خود را دارد. نمی توان چنین کشوری را رها کرد تا هر چه بیشتر به سوی شرق به غلط.

عبدالحمید خدام در پاریس تکرار نکات وعده داد که سوریه همه امکانات

خود را برای رهایی همه گروگان های غربی در لبنان به کار خواهد برد. جالب اینجاست که معاون حافظ اسد، در مصاحبه ای با فیلیپ روشو (گزارشگر تلویزیون فرانسه که پس از صد و نصد روز اسارت به همراه همکاران در (ژرژ سنس) به وساطت سوریه آزاد و از دمشق به پاریس پرواز کرد) بر این وعده ها تأکید می ورزید.

فرانسویان خوب می دانند که حزب الله لبنان، تحت نفوذ لقاات جمهوری اسلامی دست به گروگان گیری می زند. خبرهای رسیده هنوز حاکی از آنست که گروگان ها در اسارت حزب اللهی ها هستند. پس سوریه برای رهایی آنها باید موافقت جمهوری اسلامی را جلب کند. فرستاده های حافظ اسد و جمهوری اسلامی

در رفت و آمدهای بی پایان میان دو کشور فرصت دارند تا گام های مهمی را در آزاد سازی گروگان ها گفتگو کنند. لحسن امیدوار خدام بیانگر همین امر است که نوعی توافق کلی صورت پذیرفته است. جمهوری اسلامی در چنان وضعی ناسامان و آسیب پذیری است که دیگر نمی تواند تحریف آخر را آن خود بداند. با این حال، فرانسویان سوریه را در اقدامات اخیرش در گریل سوریه به محله غربی بیروت بسیار تشویق کرده اند. حضور پاترکس در سوریه در مطبوعات که زیر سیطره حزب الله بود، اراده سوریه را در گریل قرآنی اش با تهران آشکار می کند. امروز، حزب الله مسلح در بیروت مزاحم سوریه است. آن ها را از آنجا تا رانده و ظاهراً با قیام نامه حزب الله را نیز خواهد راند تا به تهران بفهماند که در لبنان سرانجام حرف آخر با سوریه است. سوریه نیز احتیاج مبرم به جلب محبت غرب دارد تا ازین بسست مرگبار بحران اقتصادی نجات یابد. آزاد سازی گروگان تهارشته کما بیش گسیخته این محبت را شاید بگذرد.

نامه ای از تهران

زبان دانی بزرگ

در گرمای شدید تهران بی ای بی وی برقی تقریباً دانشی و کثافت و آلودگی محیط زیست عذاب آورده است. کثافت و آلودگی تهران برای کسانی که این شهر را ۸ سال پیش دیده اند بسیار دردناک نیست. از حدود دو هفته پیش بوی نفرت انگیزی مناطق وسیعی از تهران و به ویژه جنوب آن را فرا گرفته است. بویی شبیه به بوی گاز سمی یا تخم مرغ گندیده. مردم دلائل گوناگون در مورد منشأ این بوی آزار دهنده، آلودگی، گازهای نیم سوخته یا لایشگاه تهران، فاضل آب های روبا زوغیره، سرانجام مسئولان رژیم مجبور به افشای علت آن شدن و طی مصالحه ای در تلویزیون دولتی گفتند چون کیسه پلاستیکی مخصوص زباله در تهران پیدا نمی شود تا چارزباله ها را در هوای آزاد و بیابان های اطراف تهران تخلیه می کنند. پیدا ست تل عظیم زباله های تهران که جمعیت آن از مرز ده میلیون نفر گذشته است زیر آفتاب داغ تابستان به چه منبعی از آلودگی های بیماری زا تبدیل می شود.

گرمای تهران طاقت فرسا ست اما نه برای انواع حشرات و سوسک و مگس و موش که به لطف حکومت پرادبار روح الله خمینی جا و مکانی مناسب برای تولید و تناسل و تکثیر و تغذیه یافته اند. قطع طولانی آب و برق، آتش خشم مردم را تیزتر کرده است. آخرین درگیری شدید ناشی از بی چه شب پیش در دولت آباد تهران بین ساکنان این محله و عوامل مسلح رژیم روی داد. باید دانست که خط لوله قطوری از جنوب تهران می گذرد که به شهر قلم آب می رساند. مردم دولت آباد معتقدند که همین آب رسانی به قم باعث قطع آب تهران و "دولت آباد" شده است. آن ها می گویند چرا با اعمال نفوذ آیت الله حسینی منتظری و صادق خلغالی آب تهران با ید به قم جاری شود. از همین رو مردم مستأصل دولت آباد، با بیل و کلنگ

به خیابان ریختند و برای شکستن این لوله به کار بردند. سر رسیدن عوامل رژیم باعث درگیری های شدیدی شد که به خالت با ساران مسلح و مجروح شدن عده ای انجامید. اما رژیم که از هوشد در تنگنا ست سعی در چنین درگیری هایی را به سکوت برگذا رکنند و از همه گیر شدن آن ها جلوگیری کند. ولی واقعیت این است که نا رضائی آشکارا همه جا دیده می شود. اعتصاب بزرگان دیگر چیزی نبود که رژیم بتواند بر آن سرپوش بگذارد.

یک کارمند وزارت بازرگانی گفت: کارمندان اکنون اعتراض های خود را آشکارا بیان می کنند. کم کاری عمدی در ادارات دیگر امری عادی است، رژیم از گسترش موج اعتصاب در بین کارمندان بیم دارد. از همین رو اخیراً "ساعت کار و ورود و خروج کارمندان بشدت از سوی عوامل حزب اللهی کنترل میشود. از سوی دیگر، رژیم به بیانه ها و شکل های گوناگون به بیرون کردن کارمندان به گفته خود زاندر برداخته است و قصد دارد با یک تیر دو نشان بزند. از یک سو از هزینه های جاری خود بکاهد بلکه مرهمی بر زخم لاعلاج بی پولیش باشد و از سوی دیگر مخالفان خود را از سازمان های دولتی دور کند.

همه چیز جمهوری اسلامی در حال فرو ریختن است. آخرین افتخار در جمهوری اسلامی فرو ریختن ساختمان مرکزی رتباط زمینی با ما هواره "متعلق به تلویزیون جمهوری اسلامی است. مردم سقوط این ساختمان عظیم رانشانه ای از سقوط رژیم می دانند. مسئولان جمهوری اسلامی این ساختمان را مصداف با ۲۲ بهمن ماه گذشته با کوس و کمرنا افتتاح کردند. ساختمان عظیم مذکور با صرف ده ها میلیون دلار ارزش رچی و صدها میلیون تومان به عنوان مرکز ارتباط زمینی با ما هواره با کمک مهندسان آلمانی ساخته

بزرگداشت قیام ۱۳۵۹

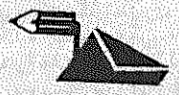
به منظور گرامی داشت خاطره قیام هیجده تیرماه ۱۳۵۹ و تجلیل از جان باختگان این قیام ملی، با نصدتن از هواداران نهضت مقاومت ملی ایران در جنوب کالیفرنیا وعده ای از نمایندگان شد. ساختمان کروی شکل که روی چند میله فلزی قرار داشت، اما مقاومت خاک زیر میله ها به درستی محاسبه نشده بود. چند شب قبل میله های فلزی در خاک نرم کم مقاومت فرو رفت و ساختمان مرکز ارتباط زمینی با ما هواره سقوط کرد و هنگام افتادن آنتن بزرگ تماس با ما هواره را زیر و زبون خود له کرد. نتیجه این که پوشش تلویزیونی روستا های ایران قطع شد و سازمان تلویزیون جمهوری اسلامی قادر به ارسال تصویر به روستا های دور افتاده ایران نیست. جالب این که به هنگام سقوط این ساختمان، آتشبارهای ضد هوایی تهران به صدا درآمد زیرا جمهوری اسلامی تصور کرده بود هواپیما های عراقی مشغول بمباران ساختمان مرکز ارتباط زمینی با ما هواره هستند.

گروه های گوناگون سیاسی، ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه (۱۳ ژوئیه) در هتل "هالی دی این" در لوس آنجلس گرد هم آمدند. پس از پیش سرود "مژ پزگهر" با هموایی حاضران، آقای مهرداد انوری رئیس جلسه، سخنانی در باره برگزاری این مراسم بیان داشت. آنگاه پیام دکتر شاپور بختیار که به همین مناسبت ایراد شده بود، خوانده شد. مراسم گرامی داشت خاطره دلوران قیام هیجده تیرماه که چهار ساعت بطول انجامید، شامل چند سخنرانی، نمایش فیلم از جریان با زپرسی آیت محقق و دلوران قیام در پیدادگاه های جمهوری اسلامی و بحث آزاد در باره استمرار رومند و مت مبارزات ملی گرایان و شعر خوانی بود. در این جلسه، حاضران به منظور ادای احترام به جان باختگان قیام هیجده تیرماه ۵۹ یک دقیقه سکوت کردند و آنگاه سخنرانان در باره اساس قیام و مسائل ابوزیسیون خارج از کشور مطالبی بیان داشتند. دوساعت پایانی این گردهمایی به بحث آزاد و گفت و شنود سیاسی اختصاص داشت. در این بخش، آقایان دکتر حجت علی و منصور انوری به پرسش های حاضران پاسخ گفتند. سخنرانان این جلسه آقایان علی مسعودی، دکتر محلو جیان، مهرداد انوری، حجت علی و فرهنگ فرهمی بودند. در ضمن این مراسم پر شور، اشعاری نیز از سروده های آقایان اسد تهران و "خروش" در ارتباط با قیام توسط شاعران قرائت شد.

موا دمصرفی در تهران روز بروز شکل حادثتری بخود می گیرد. گاروئیل که قبلاً از خارج وارد می شد، اکنون به علت کمبود ارز به کلی نایاب است. قفسه های مغازه ها و سوپرمارکت ها خالی است. آنچه هم که پیدا شود، مردم از بیم قحطی احتمالی در چشم برهمن زدن تما ش می کنند. به کمبودهای قبلی اکنون کمیابی وسایل بهداشتی نیز اضافه شده است. با ورنکردنی است اما کارخانه های تولید خمیر دندان و شامپو به کلی در ایران تعطیل شده اند. رژیم

استفاده از جوش شیرین را بجای خمیر دندان تبلیغ می کند و بجای شامپو، به مردم توصیه می کند از نوعی مابون نتراشیده که به مابون مرغانه معروف است استفاده کنند.

نامه‌ها و نظرها



چاپ تمام یا قسمتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان کرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشت‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یا آدرسونشان نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

درباره اصحاب عمل

من یکی از علاقه‌مندان نشریه "قیام ایران" هستم و معمولاً به محض دریافت آن، تمام مقاله‌ها و مطالبش را می‌خوانم. در شماره ۱۵۶ که هم اکنون در دست دارم، مقاله "اصحاب عمل" از آقای هادی بهزاد را خواندم و بقدری از آن لذت بردم که فوراً تصمیم به نوشتن این نامه گرفتم. می‌خواستم به شما نویسنده محترم بگویم که متأسفانه من هم با این گروه که شما آن‌ها را "اصحاب عمل" نامیده‌اید برخورد داشته‌ام و خیالی سعی کرده‌ام که آن‌ها را از این اشتباه بیرون بیاورم، اما همانطور که می‌دانید کار بسیار سختی است. تنها سخن من با هموطنان عزیزم بیشتر با آن دسته از ایرانیانی که در خارج از زمین بر سر می‌برند، این است که سعی کنند هر چه بیشتر به مطالعه تاریخ بپردازند و درباره آن بیندیشند (بنده نیز مدت کوتاهی است که اینکار را شروع کرده‌ام و هر چه بیشتر می‌روم، نیاز خود را به یاد نداشتن آن بیشتر حس می‌کنم) که مطمئناً مفید واقع خواهد شد. اگر هر یک از ما که در گوشه‌ای از دنیای غرب بسر می‌بریم، سعی کنیم محیط خود را بشناسیم و زندگی مردم آنجا را مورد مطالعه قرار دهیم، یقیناً به این نتیجه خواهیم رسید، آنچه که می‌بینیم یعنی پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، ... همگی حاصل وجود مکرکراسی است که متأسفانه ما فاقد آن هستیم ولی از طرف دیگر این فرصت را داریم که از تجربه دیگران که در پیش روی ما است استفاده کنیم. باید یاد بگیریم چگونه افکار و نظریات یکدیگر را تحمل کنیم و چگونه نسبت به خود و دیگران دمکرات باشیم. درباره آینده ایران که مسئله آینده فرد فرد ماست، احساس مسئولیت کنیم. وقتی در این راه موفق خواهیم بود که در آرای مطالعه کافی و آمادگی فکری باشیم زیرا فقط از راه شناخت و آگاهی است که انسان می‌تواند درست را از نادرست تشخیص دهد. با آرزوی موفقیت بیشتر برای نویسندگان و مسئولان "قیام ایران".

فریبا م. از تورینو - ایتالیا

چرا در مادرید تشکیلات ندارید؟

محترماً "به استحضار می‌رساند که در صفحه ۱۱ شماره ۳۰ آن جریده شریفه فهرست و نشانی شاخه‌های نهضت مقاومت ملی ایران در سایر کشورهای جهان رسیده است. چنانچه از فهرست مزبور برمی‌آید نهضت مقاومت ملی ایران در اکثر کشورهای اروپایی دارای شاخه و تشکیلات است به استثنای اسپانیا. با در نظر گرفتن اینکه تعدادی قریب به شصت هزار ایرانی در اسپانیا (طبق آمار پلیس) زندگی می‌کنند، می‌خواستم از حضور شما در این سؤال کنم چرا تا کنون نهضت مقاومت ملی ایران به فکر ایجاد تشکیلات در مادرید نیفتاده است؟

ضمناً چنانچه نامه مراد در آن نشریه چاپ فرمودید از فرصت استفاده کرده بسیار ممنون خواهم بود که خود شما و

با یکی از خوانندگان ارجمند قبول زحمت فرموده‌اید که شعر را که با مطلع زیر شروع می‌شود، به بنده معرفی فرمایید و ضمناً باز هم سیاه‌سنگ را ترخواهم بود اگر بنویسند که متن کامل شعر مزبور را از کجا می‌توان به دست آورد. مطلع آن شعر چنین است: "آمد آن غنایم که تا از اصفهان بگریستم".

با درودهای بی پایان آمنة نوری

قیام ایران - هموطن عزیز، آدرس پستی شاخه نهضت در اسپانیا در صفحه ۱۲ قیام چاپ شده است. اما دوستان هیأت تحریریه قیام متن کامل شعری را که مطلع آن را فرستاده‌اید نمی‌شناسند و نمی‌دانند شاعر آن چه کسی است.

دزد فیلسوف

نامه آقای امضاء محفوظ تحت عنوان "سفیریا کدا من" در شماره ۳۲ مورخ ۱۲ تیر ۱۳۶۵ هفته نامه قیام ایران در پاسخ به نامه‌های بنیاد ناسیونالیستی سعیدرجائی خراسانی سفیرمکتبی امام جماران از فروشگاه الکسا ندر نیویورک بهیشتیبه یک شوخی بود تا یک مطلب جدی - اینجانب با خواندن این نامه به یاد دفته یکی از دوستان که چند سال قبل در وزارت ارشاد اسلامی مقاصف داشت اقدام روی می‌گفت در اوائل انقلاب منحوس خمینی و شرکاء هنگامیکه جریان کشتار و قتل عام و اعدام‌های بدون محاکمه یا لا گرفت و مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های خارجی شروع به گزارش قسمتی از این آدم‌کشی‌ها نمودند بنا به پیشنهاد "حجت الاسلام والمسلمین" هادی خسروشاهی مشاور و روفت وزیر ارشاد اسلامی و سفیربعدهی جمهوری ملاحا در وا تیکان و رهبرکل تروریست‌های خمینی در اروپا جلسه‌ای از نمایندگان وزارت ارشاد اسلامی، وزارت امور خارجه، نمایندگان انجمن‌های اسلامی در خارج و قسمت‌های موربین المللی سیاه‌پاسداران در وزارت ارشاد اسلامی تشکیل شد تا راه‌مبارزه با درج اینگونه مطالب در مطبوعات را بیابند و قرائت‌ها را بر این شد که نمایندگان از "بسیراداران حزب الله" که شناختی به زبان‌های خارجی دارند به کشورهای خارج، خصوصاً اروپا و آمریکا اعزام کردند و این افراد موظف بودند تحت عناوین مستعار خود را بی طرف و نمودنموده و به پاسخگوئی به مطالب مندرج در مطبوعات خارجی در مورد جنایات ملایان بپردازند، ولی ما موریت این افراد که نه سواد درست و حسابی داشتند و نه زبان درست می‌دانستند با شکست روبرو شدند و مطبوعات خارجی نه تنها به مطالب رسالی آنها توجه نکردند بلکه حتی از چاپ مزخرفاتی که وزارت ارشاد اسلامی از تهران برای این افراد به زبان‌های خارجی میفرستاد تا با همان اسامی مستعار روبرو شوند افراد بی طرف به مطبوعات مزبور بدهند خودداری نمودند (...)

با توجه به مطالب مندرج در نامه آقای امضاء محفوظ و سعی و کوشش بی‌حاصل ایشان در برابرت سفیر پالتودزد معلوم می‌شود که نویسنده "دفاعیه از" سفیر پاکدامن" از همین شیوه استفاده کرده است (...)

ولی مطلب اصلی که ایشان خواسته‌اند در نامه‌شان ثابت کنند اینست که آقای سعید رجائی خراسانی در فلسفه فاضل یعنی فیلسوف و در زبان ما هر یعنی زبان دان و

بطور کلی دانشمند و بعنوان یک انسان، پاکدامن و کلاماً میرا از این حرف‌های کودکا نه با رانی دزدی هستند.

ضمناً به اینجانب یادآوری نموده‌اند که این آقای دکتر سعیدرجائی خراسانی که در نیویورک با رانی دزدیده‌اند آن سعیدرجائی خراسانی معلم دهات مشهد نیستند. اینجانب حرفی ندا رم که مطلب ایشان را قبول کنم ولی قبول این مطلب نه تنها از قبیل عمل سعیدرجائی خراسانی نمی‌گاید بلکه قبیح آن را چندین برابر می‌نماید زیرا چطور یک فرد تحصیل کرده و فاضل در فلسفه و ما هر در لغت‌شناسی (البته به قول ایشان) با این پست و مقام عالی و حساس بخود اجازه می‌دهد یک با رانی صد دلاری از فروشگاه الکسا ندر نیویورک، بدزدد؟!

ضمناً یادآوری شوم که "این حرف‌های کودکا نه با رانی دزدی" اختراع ریوش‌ها نیست. این مطلبی است که در دهها روزنامه و مجله خارجی از آمریکا تا اروپا و از آفریقا تا آسیا چاپ شده و کوس رسوائی سعیدرجائی خراسانی در سراسر جهان زده شده است و هیچ احتیاجی نیست که برای بدنام کردن ایشان به راه‌های دیگری متوسل شد. کدام بدنامی و تنگی از این بدتر که سفیری از فروشگاه‌های یک با رانی صد دلاری بدزدد؟

آقای امضاء محفوظ شما که در خارج زندگی می‌کنید خوب بودید خود زحمت می‌دادید و به یک فروشگاه در محل اقامت‌تان تشریف می‌بردید و سؤال می‌کردید که تحت چه شرایطی ما مورین فروشگاه‌ها اجازه دارند فردی را دستگیر نمایند اگر اشتباه کنند قانون با آن‌ها چه خواهد کرد؟ میدانید و نتوانید جواب دهید؟

داریوش شاهین

آدم شدن چه مشکل!

در صفحه نامه‌ها و نوشته‌ها، بزرگواری با "امضاء محفوظ" از آقای رجائی خراسانی سفیر خمینی در سازمان ملل متحد به دفاع پرداخته است که با بهره‌گیری از علم لغت و فلسفه دارد و نتیجه گرفته است که این ولها (دزدی با رانی از یک فروشگاه نیویورک) بهیشتیبه. اما دفاعیه آقای امضاء محفوظ از "سفیریا کدا من" پرسش‌هایی برای من به وجود آورده است. ایشان با همه "تقوی و تمهید دیندار" (اصفا تی که آقای خا منهای رئیس جمهوری درباره سفیریا کدا من بکار برده است) در دانشگاه "طاعتی" تبریز، در زمان سلطنت محمد رضا پهلوی چه می‌کرده است؟ علاوه بر آن، با استفاده از کدام مقررات طاعتی به انگلستان رفت و به اخذ درجه فوق لیسانس و دکتری نا تیل آمد؟

این از آن روزگار آن سفیریا کدا من، اما حال اگر براساسی این مرد ارضائیل انسانی برخورد را ست چگونه را می‌می‌شود در خدمت رژیم یا شکره‌روایات لرزاننده خونخوار رگش دنیسار را برداشته است؟

گرییم دفاعیه آقای امضاء محفوظ از "سفیریا کدا من" برحق و درست است. یعنی ایشان لغت‌شناس و فیلسوف است. اما آنچه آدمی را در معرض قضاوت قرار می‌دهد کردار اوست. آقای رجائی خراسانی که بقول آقای امضاء محفوظ با گروه خاصی از فلسطینی‌ها مرتبط بود و با اخوان المسلمین هم سروسری داشت و امروز نیز مدافع جنایات هولناک رژیم خمینی است که ش قضاوت همان گناه کوچک با رانی دزدی از وی سومی زد و چنین پرونده‌های می‌داشت. مثال این سفیریا کدا من، ما را به یاد مثل عامیانه‌ای می‌اندازد که می‌گوید: ملا شدن چه آسان - آدم شدن چه مشکل!

آلمان - رحمانی

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸

اعتصام‌های دیگر در پیش است

موج اعتراض پزشکان

بالا می‌گیرد

بقیه از صفحه ۳

آن‌ها، در نظر دارندها اروپا صد پزشکان هندوستان استخدا م‌کنند.

اعتصاب ۱۴ ژوئیه پزشکان در ایران، در سراسر نه‌های گروهی جهان، با زتاب یافته است.

"لیبراسیون"، در شماره مورخ ۱۸ ژوئیه خود زیر عنوان "نظام پزشکی ایران علیه نظام اسلامی به پا خاسته است"، می‌نویسد: رژیم اسلامی، نخستین اعتصاب حرفه‌ای سراسری را از سال ۱۳۵۷ تا کنون تجربه کرد.

روز ۱۴ ژوئیه، پزشکان ایران و کارکنان سایر رشته‌های پزشکی دست به اعتصاب زدند و رژیم اسلامی را به مبارزه فراخواندند. گزارش‌های مستند حاکی است که ۹۰ درصد پزشکان و کسانیکه در حرفه‌های پزشکی شاغلسند، در اعتصاب شرکت کردند.

لیبراسیون می‌افزاید: پزشکان ایران، اینک سرخسخته در برابر رژیم اسلامی با بیداری می‌کنند. آن‌ها به با زداشت رئیس‌نظام پزشکی، دکتر محمد علی حفیظی، سه پزشک دیگر و همچنین به انتصاب دکتر منافی به ریاست نظام، به رغم قوانین موجود به شدت اعتراض کرده‌اند.

روزنامه لیبراسیون در ادامه گزارش می‌نویسد:

پزشکان ایران، با اعتصاب سراسری خود، در حقیقت، به محدودیت‌های هر چه بیشتری که رژیم اسلامی علیه حرفه‌های پزشکی، اعمال می‌کند، نیز اعتراض کردند.

ده‌ها پزشک بیمارستان، در چند ماه گذشته، هدف حمله و هجوم‌های خشونت‌بار عناصر واپس‌گرای اسلامی که علیه پزشکان تهنیز شده‌اند، قرار گرفته‌اند و رژیم اسلامی نبرد اعتصاب‌جویانه‌ی را علیه این "صنف غرب زده" راه انداخته است. رژیم، پزشکان را عنا صرشیطنی می‌خواند.

لیبراسیون در پایان می‌نویسد: هرگاه دکتر حفیظی و همکارانش در چند روز آینده از بند توقیف آزاد شوند، نظام پزشکی این بار، یک اعتصاب ۲۷ ساعته در نیمه دوم ماه اوت به راه خواهد انداخت.

رادیو اسرائیل - ۱۸ ژوئیه

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۲۷ تیرماه اعتصاب اخیر پزشکان را یک توطئه خراسانی توصیف کرد و اعتصابیون را افسراد فریب‌خورده لقب داد. وی این اقدام را توطئه‌ای علیه رژیم دانست و افزود: برنا هر چیزی دقیق بود، ولی خنثی گردید. حجت الاسلام رفسنجانی پزشکان را مورد تهدید قرار داد و گفت: مردم از اعتصاب چند دکتر از جماران نمی‌روند، و افزود آن‌ها که می‌خواهند اعتصاب کنند بروند، آنها دیگر جایی در این مملکت ندارند.

گزارش‌های قبلی حاکی از آن بود که از هنگام بهروری کار آمدن حکومت اسلامی در ایران هزاران پزشک کشور را ترک گفته‌اند و ایران با کمبود شدید پزشک و خدمات درمانی روبرو می‌باشد. بنا بر همین گزارش مر فتنظر از تهران که دارای ۸ هزار پزشک می‌باشد، تعداد پزشکان ایرانی در سراسر کشور از ۶ هزار نفر تجاوز نمی‌کند. به عبارتی دیگر در خارج از تهران هر پزشک مسئول درمان یک جمعیت ۱۵ هزار نفری می‌باشد. حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه ۲۷ تیرماه، تاکید کرد که پزشکان در ایران امتیازات متعدد دارند و مردمی که برای رژیم فرزندان و تمام هستی خود را تقدیم می‌کنند افرادی نیستند که اگر دکتر آن‌ها را معالجه نکند غم‌دار شوند.

روز دوشنبه ۲۱ ژوئیه از تهران گزارش رسیده است که پزشکان تهران از امروز به مدت ۴۸ ساعت، با ردیگر دست به اعتصاب زدند.

پزشکان تهران ادامه با زداشت دکتر پروفیسور شمس، دکتر ملک و دکتر برومند توسط رژیم اسلامی را محکوم کردند و بنا به اعلام قبلی از امروز با ردیگر به مدت ۴۸ ساعت بعنوان اعتراض به جمهوری اسلامی دست از کار کشیدند.

پیشنهاد ترومن و چرچیل

دکتر مصدق در آغاز دومین دوره زمامداری خود به علت دوپیش آمد یعنی وقوع جنبش پرشور ملی در تابستان ۱۳۳۵ حکومت او و صدور رای دیوان دادگستری بین المللی به نفع ایران انتظار داشت که شرکت نفت و دولتی انگلیس با پیشنهاد دقایق قبول تری پیش خواهد آمد. اما چون چنین نشد او با این تصور که اگر دولت ایران پیش قدم شود آن ها واکنش مسا عدی نشان خواهند داد در هفته اول مرداد با کاردار سفارت انگلیس به مذاکره پرداخت. درباراً این اخذ تماس خبری جزئی حدسیات در باره امکان ارجاع اختلاف به داور بی طرفی نشد. ولی معلوم گردید که سفیر امریکا نیز در مذاکرات شرکت داده و چرچیل گفتگوهایی با انگلیس و امریکا اطلاع داده می شود. در تاریخ ۱۶ مرداد وزارت امور خارجه یادداشتی به سفارت انگلیس فرستاد ولی مضمون آن هیچگونه پیشرفتی در مذاکرات با طرح راه حل جدیدی را نشان نمی داد. بلکه برعکس معلوم می ساخت که اختلاف طرفین بهمان شدت سابق باقی است. قسمت عمده یادداشت مزبور عبارت از شکایت ایران از روش شرکت نفت و دولتی انگلیس مخصوصاً در جلوگیری از معاملات شرکت ملی خودداری از پرداخت وجوه متعلق به ایران، و ایجاد اشکالات مالی دیگر بود. آنجا هم که یادداشت اشاره به لزوم حل اختلاف می کرد راهی برای انجام این منظور جز تصیبت از قانون نه ماده ای که ممکن نبود مورد موافقت طرف قرار گیرد ارائه نمی نمود حتی یادداشت با عبارات تهدیدآمیزی بشرح زیر ختم می شد. "لژوما" متذکر می شود چنانچه در پرداخت وجه متعلق به دولت ایران از طرف بانک های انگلیس و شرکت سابق تاء خیر و مساعدت شود و یا شرکت سابق و دولت انگلستان اقدامات نامشروع خود را به هر صورت که باشد علیه ایران ادامه دهند مسئولیت کلیه اقدامات مزبور و خسارات ناشی از آن من جمیع الجهات متوجه دولت انگلیس و شرکت سابق نفت خواهد بود.

منظور دولت از فرستادن این یادداشت فقط اتمام حجت بود. زیرا دکتر مصدق بخوبی می دانست که کاردار سفارت انگلیس تا چه حد با نهضت ملی و با شخصی و مخالفت می ورزید بطوری که اسناد و مدارک مربوطه نشان می دهد مگاتبات سفارت و وزارت امور خارجه انگلیس در تمام آن مدت بمرحور عدم آماجگی دولت انگلیس به سازش با دکتر مصدق، زمینه سازی برای ساقط نمودن حکومت او و تحریک شاه به عزل او دور می زد. بعنوان نمونه ای از گزارش های سفارت انگلیس قسمت هایی از نامه مورخ ۳ ژوئن ۱۹۵۲ (۱۳ خرداد ۱۳۳۱) میدلتون (MIDDLETON) به وزارت امور خارجه انگلیس را نقل می کنیم:

"طی گزارش صرف شام با شاه در ساعت ۱۰ به نظر من شاه وضع را با واقع بینی بیشتری نگرد. مثلاً تمهید کرد که نهضت ملی که شاید بخودی خود چیزی مطلوبی باشد، مصدق و هواخواهان آن را منحرف کرده اند. و شاید بهتر بود خود او (شاه) نقش فعال تری بعهده گرفته و نهضت را به مجرای مفیدی سوق داده بود. شاه، همچنین اظهارات سفیر کرد از اینکه ایران از نظر دیپلماتیک عملاً تنها شده است و تصدیق کرد که در دنیا ای امروز بیطرفی واقعی وجود ندارد. او صبر و حوصله ما را تصحیح کرد و گفت، بنظر او امروز احساسات ضد انگلیسی از شما قبیل خیلی کمتر است. بعد گفتگوهایی که مشخص تر کنید. شاه پرسید: آیا شما نظریه دکتر مصدق به او اطمینان داده بود ما قصد داشتیم در راه مذاکرات مستقیم بپردازیم. من گفتم گمان نمی کنم این مطلب صحیح باشد. دلایل آن را هم ذکر کردم و گفتم بنظر من سعی در رسیدن به توافق با مصدق بی فایده است. چون او به احتمال قوی هر چه را با آن موافقت کند بعد رد خواهد کرد... ضمناً من با استفاده از فرستاده به شاه توضیح دادم که بنظر من در طی یک سال گذشته وضع ایران از لحاظ مذاکره با طرف بسیار ضعیف تر شده است زیرا ما ایده ای که می توانیم از نفت ایران صرف نظر کنیم و سیاست منفی دکتر مصدق با عث ایجاد رقابت شدیدی از جانب کشورهای دیگر در منطقه خلیج فارس شده است. بنا بر این برای ایران بسیار مشکل خواهد بود که حتی در مساعی عدلترین شرایط در آینده قابل پیش بینی بتواند به وضع گذشته خود که قریب ۴۰ درصد نفت خاورمیانه را تولید می کرد بازگشت کند... بر روی هم من این تصور احساس کردم که اگرچه شاه حالا مضار سیاست نفتی مصدق را برای کشورش با واقع بینی بیشتر درک می کند ولی مثل همیشه در اینکه نقش خود او چه باید باشد مردد است." (۱)

در این هنگام طرفین به اندازه ای از یکدیگر فاصله داشتند که وضع به نفع کسی کشیده بود. اما با ردیگر مداخله دولت امریکا مانع از آن شده که ارتباط آنها یکباره قطع شود. بدینوسیله دکتر مصدق در باره دولت انگلیس بسیار خوش بینی نسبی در باره دولت امریکا همراه بود و هر بار که سخنی از وساطت امریکا به میان می آمد در محافل طرفدار دولت امیدواری تازه ای به حل اختلاف پیدا می شد. اما این خوش بینی بمرور بود چون دولت امریکا هیچ گاه تمام "به نفع ایران مداخله نمی کرد. این نکته کاملاً واضح بود که شرکت های بزرگ نفت امریکا چون پیشرفت سیاست نفتی ایران را موجب تزلزل قراردادهای خود در سایر کشورهای می دانستند نفوذ در دستگاه دولت امریکا به نفع شرکت سابق به کار می بردند. اما حتی تا آن حده که دولت امریکا اعتقاد به حقانیت ایران و قصد مساعدت به ایران داشت با مقاومت و سرسختی

نواد روحانی



مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

انگلیس و امریکا بر ضد مصدق

شرکت نفت و دولت انگلیس روبروی شد. مثلاً وقتی دولت امریکا به دولت انگلیس گوشزد می کرد که عدم سازش با ایران به پیشرفت کمونیسم کمک خواهد کرد، انگلیس ها وجود این خطرات را تصدیق نمی کردند و می گفتند ایران در هر حال تا یک سال دیگر نمی تواند ایستادگی به خرج دهد و در آن مدت ممکن است تغییراتی رخ دهد و بنا بر این مساعدت مالی از طرف دولت امریکا به ایران ضرورت ندارد. یا مثلاً دولت امریکا توصیه می کرد که شرکت سابق مقدار دو میلیون تن نفت موجود در مخازن آبادان را به بهای بین المللی خریداری کند تا گشایشی برای ایران حاصل شود. ولی شرکت سابق با پیشنهادی از دولت انگلیس از قبول این پیشنهاد مگردر شرایطی غیر از آنچه در قانون ملی مقرر شده بود امتناع می کرد.

طی مرداد ماه شایعه قصد امریکا به مداخله مجدد در نفت ایران در محافل تهران قوت گرفت. تماس دولت ایران با سفیر انگلیس و امریکا اینگونه تعبیری شد که مذاکرات فیما بین به صورت مثلثی درآمده که آن درواشگتن و قاعده آن در تهران و لندن است و انتظار می رفت که نتیجه این مذاکرات به زودی به شکل پیشنهاد جدیدی ظاهر خواهد شد. بالاخره این پیش بینی در اوایل شهریور ۱۳۳۱ بوقوع پیوست. به این معنی که روز ۵ شهریور سفیر امریکا و کاردار سفارت انگلیس نزد دکتر مصدق رفتند و پیاپی به شرح زیر از جانب رئیس جمهور امریکا و نخست وزیر انگلستان به او تسلیم کردند.

"اینجا بنیان تلگراف های واصله از سفارت های کبرای مربوطه خود را در ایران در باره مذاکرات اخیر که با جناب عالی به عمل آمده است و همچنین یادداشتی را که در ۱۷ اوت ۱۹۵۲ (۱۶ مرداد ۱۳۳۱) به عنوان دولت علیا حضرت ملکه انگلستان ارسال داشته بودید مورد مطالعه قرار داده ایم. بنظر اینجانب مناسبت مطلب روشن است که حل رضایت بخش مسئله نفت مستلزم اقدام فوری از طرف هر سه دولت خواهد بود. اینک پیشنهادی را که ما در این مورد به شما می آوریم و امیدواریم که مورد تصویب آن جناب واقع شود و منتج به حصول رضایت بخش موضوع گردد. محرک ما احساسات دوستی صمیمانه و تاریخی است که نسبت به ملت و مردم ایران داریم و قلباً آرزو مندیم هر چه زودتر موجبات حل سریع و منصفانه اختلاف کنونی را فراهم سازیم. امضاء: هری اس ترومن - وینستون اس چرچیل."

ضمیمه

- ۱ - موضوع غرامتی که با بت ملی شدن موه سات شرکت نفت انگلیس و ایران واقع در ایران با دیدپرداخت شود با در نظر گرفتن وضع حقوقی طرفین که بلافاصله قبل از ملی شدن موجود بوده است و با توجه به کلیه دعاوی و دعاوی متقابل طرفین به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع خواهد شد.
- ۲ - نمایندگان مناسبی از طرف دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران تعیین خواهند شد که با یکدیگر مذاکره کنند و ترتیب جریان نفت را از ایران به سایر زارهای دنیا بدهند.
- ۳ - چنانچه دولت ایران با پیشنهاد های مندرج شده در دو بند فوق موافقت فرمایند:
- الف - نمایندگان شرکت نفت انگلیس و ایران برای حمل نفتی که هم اکنون در ایران ذخیره است اقدام به تهیه وسایل لازم خواهند نمود. و همچنین موافقت ها با شرایطی که در باره قیمت حاصل شود و شرایط فنی برای با رگیری اجازه دهد با بت هر مقدار نفتی که بتواند هر چه زودتر حمل کرد پرداخت مقتضی بعمل خواهد آمد.
- ب - دولت علیا حضرت ملکه انگلستان با سایر نمایندگان و سفیران نسبت به مداخلات (گال) را به ایران و نسبت به استفاده ایران از (وجوه) استرلینگ مریض خواهد ساخت.
- ج - دولت کشورهای متحده امریکا فوراً مبلغ ده میلیون دلار بلاعوض به دولت ایران برای کمک در رفع مشکلات بودجه ای آن دولت خواهد پرداخت.

دکتر مصدق در همان نظراول پیشنها دبا لارا غیر قابل قبول تشخیص داد و چنین ایراد کرد که دولت های انگلیس و امریکا می خواهند یک مسئله خصوصی بین دولت ایران و یک شرکت تجاری را مبدل به یک مسئله بین المللی کنند و دولت ایران نمی تواند یک چنین تغییر ماهیت را قبول کند. وزیر امور خارجه امریکا سعی کرد او را متقاعد کند که پیام مشترک دولتین وسیله ای برای رسیدن به نتیجه مطلوب خواهد بود. ولی دکتر مصدق قانع نشد و در تاریخ ۱۶ شهریور علل عدم موافقت خود را طی اعلامیه ای بیان نمود. ما خلاصه مندرجات اعلامیه را نقل می کنیم.

غرامت

اولاً بعد از صدور قرار عدم صلاحیت دیوان دادگستری بین المللی هیچ مرجعی جز دادگاه های ایران صلاحیت رسیدگی به اختلاف را ندارد حال اگر مدعی بخواهد موضوع را در دادگاه دیگری طرح کند البته موافقت طرف دیگر لازم می آید و مدعی برای جلب چنین موافقت باید تصریح کند که چه موضوعی را می خواهد در دادخواست خود بگنجاند. فقط چنانچه مدعی علیه با طرح چنین موضوعات اصولاً موافقت داشته باشد رجوع اختلاف به دادگاه دیگر امکان پذیر خواهد بود. ثانیاً "شرط" با در نظر گرفتن وضع حقوقی طرفین بلافاصله قبل از ملی شدن "برای ایران قابل قبول نیست. چون دولت ایران قرار داد متیاز ۱۳۱۲ را باطل می داند.

جریان نفت

اگر منظور فروش نفت موجود در مخازن و تولیدات آینده از طرف شرکت ملی به نرخ بین المللی باشد دولت ایران همیشه با آن موافق بوده و هست. ولی دولت نمی تواند ترتیبی را موافقت کند که نفت به قیمتی غیر از قیمت بین المللی بفروش رسد و در راه صنعت نفت در دست دیگران قرار گیرد.

رفع تضییقات

این قسمت پیشنهاد در دولت ایران توهین آمیز تلقی نمود. یعنی اظهار کرد معنی آن اینست که دولت انگلیس تا کنون همه گونه فشار و غیرقانونی به دولت و ملت ایران وارد آورده ولی اینک می گوید اگر به شرایط پیشنهادی من عمل کنید از این به بعد از فشار و سخت گیری های خود خواهم کم است. اعلامیه دولت در پیشنهاد مذکور در پیاپی مشترک را به این عبارت بیان کرد:

"برای دولت انگلستان و چنین تصوری حاصل شده که در نتیجه تضییقات آن دولت اکنون دولت و ملت ایران به آن درجه از استیصال رسیده اند که به قبول هر قسم شرایطی حاضر شده و به معامله اضطراری گردن گذارند و حال آنکه با وجود تمام مشکلات اقتصادی و مالی ملت ایران به هیچ قیمتی به قبول شرایط ناروا که به استقلال سیاسی یا اقتصادی یا خدای نخواسته به حیثیت و شرافت ملت ایران لطمه وارد سازد تن در نخواهد داد..."

دکتر مصدق هر چند با سخ کتبی به پیام مشترک ننهاد. ولی گزارشی در باره آن همراه با اعلامیه بالا به مجلس شورا فرستاد. مندرجات گزارش در تحت عنوان یادآوری شرایطی که حل اختلاف را ممکن خواهد ساخت در واقع پیشنهادی در برابر پیشنهاد پیاپی مشترک متضمن اصول زیر طرح می کرد:

۱ - دادگاه های ایران آماده رسیدگی به دعاوی شرکت سابق می باشند اما اگر شرکت نخواهد در ایران اقدام دعا کند دولت ایران حاضر خواهد بود به قضایات دیوان لاهه رضایت دهد بشرط حصول توافق در مسائل زیر: تعیین میزان و طرز پرداخت غرامت بر اساس هر قانونی که در یکی از کشورهای برای ملی کردن صنایع ملای عمل قرار داده شده و مورد قبول شرکت باشد، رسیدگی به دعاوی طرفین بر پایه دوام خدزی: از تاریخ قرارداد ۱۳۱۲ تا تاریخ قرارداد الحاقی ۱۳۲۶ بر طبق قرارداد امتیازات تاریخ قرارداد الحاقی تا تصویب قانون ملی شدن بر طبق شرایط قرارداد الحاقی که مورد قبول شرکت بوده است، تعیین میزان خسارات مختلفی که شرکت نفت و دولت انگلیس به ایران وارد آورده اند، پرداخت مبلغ ۴۹ میلیون لیره بعنوان علی الحساب که شرکت سابق این مبلغ را در تاریخ ۱۹۵۰ خواهد نمود.

با بت وجوه قابل پرداخت به ایران به حساب آورده بود. گزارش دولت با اظهاراتی که متضمن تهدید قطع رابطه سیاسی با انگلستان بود به شرح زیر بیان می یافت.

"چنانچه سیاست انگلیس بخواهد پیش از این با امرار وقت ارسال یادداشت های بی حاصل فشار اقتصادی خود را ادامه دهد و ما نتوانیم نفت بشود مورد تردید نخواهد بود که سیاست آن دولت نسبت به ایران دوستانه نیست و حال آنکه غرض از ادامه مناسبات سیاسی بین دو کشور حفظ منافع طرفین و ایجاد روابط حسنه و حسن نیت متقابل است و با وضع فعلی ادامه مناسبات سیاسی برای طرفین حاصل نخواهد داشت. لذا دولت ایران به خود حق می دهد که برای حفظ منافع خویش از هرگونه اقدامی هر چند منجر به قطع روابط سیاسی شود فروگذار نکند و مسئولیت عواقب چنین پیشامدی البته به عهده دولت انگلیس خواهد بود."

۱ - از آرشو محرمانه انگلیس سند

دیپلمات‌های خمینی

بقیه از صفحه ۵

عملیات تروریستی وجود دارد. معروف ترین آن ها اردوگاه سابق پیشاهنگی منظریه در نیاوران است. اردوگاه صالح آباد قم بخاطر آموزش تروریست‌های انتحاری شهرت دارد. با پیدا زاردوگاه "بهشتیه" که مخصوص آموزش زنان است و تحت سرپرستی زهرا رهنورد همسر میرحسین موسوی قرار دارد نیز نام برد.

در لبنان، دوچهره بنتی دگرای مسلمان طرفدار جمهوری اسلامی عیار نشانداز: شیخ محمدحسین فضل الله وحسین موسوی.

شیخ فضل الله در سال ۱۹۲۵ در عراق به دنیا آمد در سال ۱۹۶۶ وارد لبنان شد. وی به خمینی لبنان شهرت دارد و یکی از رؤسای حزب الله لبنان است.

میرحسین موسوی آموزگار سابق که از جنبش شیعیان امل به رهبری نبیه‌بری منشعب شده است، سازمان امل اسلامی را بنیاد گذاشته که همراه با حزب الله به نام سازمان جهاد اسلامی، عملیات تروریستی متعددی انجام داده اند.

حسین موسوی مسئول عملیات تروریستی مرگبار سال ۱۹۸۳ علیه مقر تفنگداران دریایی آمریکا و سربازان فرانسوی

در لبنان است. که سرانجام منجر به بمباران انتقام جویانه سرپا زخا نه‌های بعلبک از سوی هواپیما های "سوپر اتاندر" فرانسوی شد.

شیخ صبحی طفیلی و شیخ حسن نصرالله نیز در وقت دیگر از بنیادگرایان سازمان امل اسلامی هستند. شیخ فضل الله و حسین موسوی با رها به تهران سفر کرده‌اند و با سیدعلی خامنه‌ای و دیگر رهبران جمهوری اسلامی دیدار کرده‌اند. سال گذشته مجلس شورای اسلامی موافقت کرد صد میلیون دلار در اختیار بنیادگرایان اسلامی لبنان قرار گیرد.

به نوشته هفته نامه "اسپکتا کابل دمووند" ارتباط بین حزب اللهی های لبنان و ایرانی به وسیله "فاضل مرندی" تأمین می گردد.

آخوند فاضل مرندی قبل از انقلاب اسلامی عضو سازمان مجاهدین خلق بود اما پس از جدائی سازمان مجاهدین از رژیم اسلامی وی به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی پیوست. فاضل مرندی یکی از هفت پایه گذار "سوا" است و یکی از پرنفوذترین مقامات سپاه پاسداران است. برادرزاده وی "حسن مرندی" یکی از چهار نفر مسئول قتل حسنعلی

سنور ، نخست وزیر پیشین ایران است.

در این میان دو کشور، جمهوری اسلامی حمایت می کنند: سوریه، که با نظر موافق شورای اسلحه و اطلاعات در اختیار جمهوری اسلامی می گذارد و لیبی که روابط تنگاتنگی با جمهوری اسلامی دارد. در ژوئن ۱۹۸۴ هاشمی رفسنجانی در دیدار خود از لیبی با قذافی، بنه توافق رسیدند که "یک اتحادیه انقلابی اسلامی جهان" و "ارتش قدس" تشکیل دهند. در اوایل فوریه ۱۹۸۵ خلیجی رئیس سازمان اخوان المسلمین ایران در آس هیئت مهمی به لیبی رفت. یک ماه بعد حسین شیخ الاسلام در آس هیئت دیگری در لیبی با قذافی دیدار کرد.

سبب پیگاه اصلی شبکه‌های تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا عبارتند از: پاریس، هامبورگ و رم که از ماه پیش بروکسل، پایتخت بلژیک نیز به آن اضافه شده است.

نکته‌ای که بعد از انفجارهای چندی پیش پاریس از نظر دورمانند، آن بود که "ناصر دیا فی" راننده اتوموبیل اوپل قرمزی که چندی پیش در پاریس از چنگ پلیس فرانسه فرار کرد و در اتوموبیلش سلاح‌های ساخت چکسلواکی بدست آمد، عضو "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" و راننده آن اتوموبیل فاضل مرندی بوده است و جالب آن که هفته قبل از انفجارها، فاضل مرندی در پاریس دیده شد.

سال گذشته سفارت جمهوری اسلامی در پاریس تعداد دانشجویان ایرانی را در فرانسه بالغ بر ۱۲ هزار نفر اعلام کرد که تنها نیمی از آنان در کلاسهای درس

حاضر می شوند. به احتمال فراوان عده زیادی از آنان عوامل جمهوری اسلامی هستند که تحت فرماندهی سرهنگ فصیحی قرار داشتند که ۳ سال پیش از فرانسه اخراج شد.

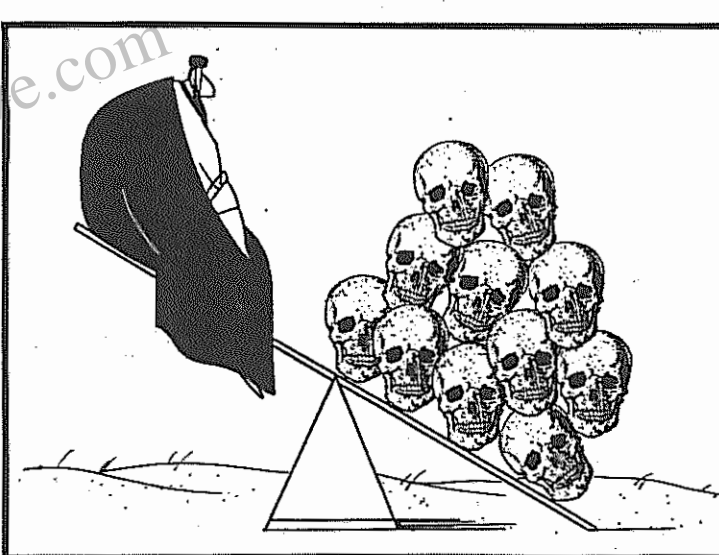
دانشجویان طرفدار جمهوری اسلامی در سه سال زمان به اسمی "انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در فرانسه" - "دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه" و "انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه" تمرکز یافته‌اند و فعالیت‌های آن‌ها به نفع جمهوری اسلامی برکسی پوشیده نیست.

علیرضا معیری کاردار پیشین سفارت جمهوری اسلامی در پاریس نیز از گروه‌های کبریا دیپلمات‌های آمریکا بود. او در سال ۱۹۸۱ عضو کمیسیون سازمان دهی ساوا بود و از تابستان تا زمان حمله اسرائیل به لبنان، تا اوت ۱۹۸۴ که به پاریس آمد، در "دره بقاع سرپرستی پاسداران جمهوری اسلامی" را برعهده داشت. وی اکنون معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی در امور مینتی است. ما موریت رسمی وی هماهنگ کردن عملیات تروریستی در خارج از ایران است.

"هنده خمینی" برادرزاده خمینی نیز در فرانسه است. وی رسماً "سرپرستی خبرگزاری جمهوری اسلامی را در پاریس برعهده دارد. اما معلوم نیست کسی که نه فرانسه میداند و نه انگلیسی در پوش این سمت چه اهدافی را دنبال می‌کند (۱۰۰)

ما هنگامه اسپکتاکل دمووند - ماه ژوئیه ۸۶

جامعه آرمانی "امام"



بقیه از صفحه ۱

طبق فرمایشات آقای خامنه‌ای این استعمار علیه ما علیه بود که با روش مودیانه‌ای در قرن اخیر توی جلد مردم مسلمان ایران رفت و به آن‌ها یاد داد که میشود پیراهن کرباس و شلوار قدک پاچه گشاد و گیوه آجیده و کلاه نمدی را کنا رگذاشت و کت و شلوار پوشید، شلیقه و تنبان را به بلوز و دامن تبدیل کرد، میشود غیر از بدوغ خیابان و پنیر و حلوا رده و آبگوشت و دمپختک غذا های دیگری هم خورد، میشود بر سر سفره جلوی هر کس بشقابی علیحده گذاشت و از قاشق و چنگال نفرت نداشت، میشود عوض الاغ اتوموبیل سوار شد، میشود خانه را از آغل جدا کرد، میشود در رختخواب تمیز خوابید، میشود از زیش و مگس و سوک و موش فاصله گرفت، میشود در خانه حمام و یخچال و اجاق گاز داشت ...

بنا بر این، حال که خداوند تفضل کرده و عنان قدرت را در کشور اسلامی بدست علمای اعلام سپرده است، بکوری چشم استعمار و استعمار رو استکبار رهمی این مظاهر زشت زندگی طاغوتی را باید دور ریخت و آسوده شد: "دارنده مباح، از بلاها رستی"

حجت الاسلام والمسلمین، پرزیدنت خامنه‌ای، برای اینکه مردم ایران متوجه باشند مسأله جدی است و دولت اسلامی تصمیم نداد در ردین مرحله به شعاری کلی اکتفا کند، در خطبه نماز جمعه فهرستی هم از موارد اسراف و تبذیر

ارائه داد.

حجت الاسلام گفت: "چند محور را بعنوان مثال انتخاب کرده‌ام که در این موارد اگر همه ما خودمان را مقید به صرفه‌جویی کنیم تدریجاً زمین ریشه کن شدن اسراف در جامعه فراهم خواهد شد. این زمینه‌های عمده عبارتند از: خوراک، پوشاک، آب و برق، وسائل خانه، سوخت، حمل و نقل و مرکب سواری و بعضی زمسائل دیگر که البته تکرار می‌کنم موارد فقط این‌ها نیست. مواردی که میشود در آنها صرفه‌جویی کرد چندین برابر آن چیزهایی است که عرض خواهم کرد ..."

عبید می گوید: "جنارهای را برای می بردند، درویشی با سپر بر سر راهیستاده بود. سپر از پیر سرسید که با درایسن چیست؟ گفت آدمی. گفت گجایش می‌برند؟ گفت بجایی که نه خوردنی باشد و نه پوشیدنی، نه نان و نه آب، نه هیضم، نه آش، نه زهر، نه سم، نه بوری، نه گلیم ... گفت با ما مگر بخانه ما می‌برند؟ جامعه آرمانی امام خمینی هم‌دارای چنین مشخصاتی است و به فرمانش آقای خامنه‌ای جایی است که مردم با ید از خوراک، پوشاک، آب و برق، وسائل خانه، سوخت، حمل و نقل و مرکب سواری چشم ببوشند. اما ملت ایران همینطور مفت و مسلم به دروازه‌های جامعه آرمانی نرسیده است. واقعا "کار آسانی نبوده کشور سالانه فقط بیست میلیارد دلار درآمد نفتی داشته باشد و به روزی بیفتد

که هفت خانه به یک دیک محتاج باشند و مع الوصف، حکومت با زهم برای مردم نسخه صرفه‌جویی بنویسد.

حجت الاسلام خامنه‌ای در اشادات خود راجع به صرفه‌جویی می گوید: "غذا را متنوع نباید بخت. این یک نیاز حقیقی نیست که ما خیال کنیم که بر سر یک سفره حتماً باید دو جور پودر چند جور غذا باشد. امروز می‌بینیم که نان را در داخل سطل زباله توی کیسه‌های زباله می‌ریزند و زمین می‌رود. نان را استفاده کنید. نان تازه جزء نیازهای حقیقی نیست. نان بیات را هم میشود خورد. شما وقتی گرسنه باشید نان خشک را هم آنگنان با لذت می‌خورید که برای شما ممکن است از نان تازه لذیذتر بیاید"

این فرمانش حکیمانانه لایدمقدمه ایست بر یک حرکت وسیع انقلابی بمنظور محو غادت مذموم طاغوتی به خوردن نان تازه فزادست که برای بررسی مضرات نان تازه سمیناری تشکیل شود و ستاد پشتیبانی جنگ به هواداری از مصرف نان خشک آبد زده راه‌پیمایی ترتیب دهد و متعاقباً "نانوایان متعهد اعلام کنند در رابطه با مبارزه ضد استعماری امت بی‌خاسته و بیخون نشسته و برای آنکه جامعه آرمانی امام خمینی هر چه زودتر صورت تحقق پیدا کند متفقاً" تصمیم گرفته‌اند پخت نان تازه را تحریم کنند.

وقتی قرار شد نان تازه از زیرنا معذاتی مردم حذف شود مصرف میوه‌جات و سبزیجات تازه بطریق اولی جزء اعمال ضد انقلاب و بلکه فساد در ارض محسوب خواهد شد و آن وقت دیگر مردم احتیاج به یخچال خانگی نخواهند داشت. در باره یخچال و زوائدی ازین قبیل، قبل از حجت الاسلام ریاست جمهوری آیت الله العظمی منتظری زمزمه را آغاز کرده و گفته بود: "در سمینار ششم جمعه تذکر دادم و از آریا بچراغ هم انتظار دارم به ملت تذکر دهند با چنان‌تن نه یخچال و نه فریزر داشتند، فلاسک هم نداشتند، این تشریفات را نداشتند"

فقیه عالیقدر و حجت الاسلام ریاست جمهوری اگر اهل سینما رفتن بودند و فیلم معروف "پاپیون" را می‌دیدند راه‌حل‌هایی بهتر از این هم برای سیر کردن شکم و مایا زره با اسراف می‌خواستند پیشنهاد دهند. در فیلم پاپیون - که داستان آن هم واقعی است - دیدیم قهرمان داستان بعد از چند روز گرسنه ماندن در زندان انفرادی چگونه سوک‌ها را شکار می‌کرد و با چه ولعی آنها را زنده زنده می‌خورد. بگذارید چنددی دیگر بر این منوال بگذرد، مردم بدون آنکه حاجتی به موعظه و ارشاد داشته باشند خودشان خواهند فهمید چه چیزهایی جزء "نیازهای حقیقی" است و چه چیزهایی نیست!

تذکره نمایندگان

عوام مجلس انگلیس

بقیه از صفحه ۱

با آوری می‌کنیم که رئیس گروه حقوق بشر پارلمان انگلیس در دیدار با شاپور بختیار روینا به پیشنهاد دوی، به تحقیق و بررسی در موضوع حقوق بشر در جمهوری اسلامی و نقض حقوق بشر در ایران علاقمند شد و کمیته پژوهش پس از یکسال تحقیق گزارش مشروح با ذکر امثال و شواهد و اسناد درمورد رذکونا گون منتشر کرد.

از سوی دیگر دکتر شاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران طی تلکسی که به مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های انگلیس مخابره کرد ضمن اظهار شادمانی از این پیشنهاد ادامه جنگ را نقطه اتکای رژیم خمینی دانست و گفت، مردم ایران از دو طریق، یکی ضایعات انسانی و دیگری نقض حقوق بشر توسط رژیم قربانی وضعیت کنونی هستند. دکتر بختیار افزود: "دنیا غریب با بیستی از هر نوع کمک، چه آشکار و چه پنهان به این حکومت ظالم خودداری کند و من امیدوارم حکومت انگلستان به این ندای مجلس نمایندگان بریتانیا، توجه کند و آزارها را جبران دهد"

در آورده.

در میان امضاء کنندگان تذکره ریسه پارلمان انگلستان در تحریم ارسال سلاح به جمهوری اسلامی و محکومیت این رژیم بخاطر نقض حقوق بشر، از جمله نام این نمایندگان متا هده می‌شود. دونالد آندرسن، سخنگوی ارشاد امور خارجه، حزب کارگر، تام پلارک، رئیس کمیته امور خارجه پارلمان از حزب کارگر، دیویدا وشن رهبر حزب سوسیال دمکرات، سر جفری جانسون نماینده محافظه‌کار، آن بیت، سخنگوی حزب لیبرال در امور خارجی، سر برنارد ریسن، معاون گروه پارلمانی حقوق بشر که خود این گروه متشکل از نمایندگان کلیه احزاب انگلستان است.

رادیو محلی نهضت و اشنگن

رادیو ایران - رادیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران تا خدی و اشنگن - ویرجینیا - پرلیند یکشنبه‌ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با ماداروی موج متوسط ۱۴۵۰ - رادیو W.O.L.

بقیه از صفحه ۱

دگرگونی های سریع در بازار نفت جمهوری اسلامی و پیامد سقوط قیمت نفت

خود را تعیین کرد ، عربستان سعودی برای حفظ قیمت ، از میزان تولید خود کاست و این روند را تا میانه سال ۱۹۸۵ ادامه داد ، به گونه ای که میزان تولید آن از ۲/۳ میلیون بشکه در روز به یک میلیون بشکه در روز رسید . تقریباً "به نصف" سهمیه بندی او یک ، تقریباً "به نصف" رسید (۲/۳ میلیون بشکه در روز) . در این میان برخی از اعضای او یک نه تنها از سهمیه تعیین شده خود تجاوز کردند ، بلکه برای به دست آوردن بازاری بیشتر ، قیمت رسمی او یک را نیز شکستند .

به عنوان نمونه ، جمهوری اسلامی در معاملات با ایالات متحده ، نفت ایران را به هر قیمتی که می خریدند می فروخت . در اجلاس که او یک در اواسط سال گذشته برپا کرد ، عربستان و کویت که در یک جناح قرار دارند اعلام داشتند که او یک باید سهم خود را در بازار جهانی نفت نگاه دارد . معنای این سخن آن بود که عربستان می تواند برای رسیدن به سهمیه خود ، بدون رعایت قیمت رسمی ، نفت بفروشد .

عربستان ، با اتخاذ این روش تازه ، اندک اندک تولید خود را افزایش داد و با عقد قراردادهای نفتی که خطر کاهش قیمت نفت را از دوش پالایش گری برمی دارد و کشورها در گذشته نفت خام را مسئول نوسان قیمت می سازد ، به میزان فروش خود افزود تا آنکه تولید خود را به سهمیه رسمی اش ۴/۳ میلیون بشکه در روز رساند .

با این اقدام در نیمه دوم سال ۱۹۸۵ قیمت نفت سیر نزولی آغاز کرد : کاهش بها تقریباً "همه ما درکنندگان را بر آن داشت که با افزایش تولید ، کسدرآمد خود را جبران کنند و افزایش تولید ، روند کاهش قیمت را شتاب بیشتری بخشد .

او یک آنگاه در اجلاس آخر خود از دیگرها درکنندگان نفت خواست که به عنوان ناظر در این اجلاس شرکت کنند تا بتوانند آنها را به کاهش تولید نفت تا آن مجاب کنند و این چنین عرضه و تقاضا را در بازار جهانی برابری کند . تنها ما درکننده عمده غیر عضو او یک که از شرکت در این اجلاس خودداری ورزید انگلستان بود که رسماً "عدم مذاکره" خود را در تعیین میزان تولید نفت دریای شمال اعلام داشت . دیگران همانند مصر ، نروژ و مکزیک وعده کردند که اگر او یک تولید خود را کاهش دهد آن ها نیز چنین خواهند کرد .

او یک در این اجلاس موفق نشد بر سر سهمیه کلی سازمان به نتیجه رسد که هرگاه به نتیجه می رسید نیز در تقسیم آن میان اعضا به مشکل های حل نشدنی بر می خورد .

در این اجلاس ، جمهوری اسلامی ، لیبی و الجزایر می گفتند همه اعضا او یک باید از بهای نفت به بازاری خودداری کنند تا بهای نفت از نوبه ۲۵ تا ۲۸ دلار در بشکه برسد ، اما اکثریت ، رعایت سهمیه اعضا در چارچوب سهمیه کلی او یک را توصیه می کرد .

تا نا کامی ، شکست آخرین اجلاس او یک ، بهای نفت را در ایران با نوسان گذشته که کوتاه زمانی ثابت مانده

بود کاهش داد ، به گونه ای که در روز چهاردهم ژوئیه ، نفت دریای شمال در روتردام به ۸/۵ دلار در بشکه معامله شد که نازل ترین قیمت نفت در سیزده سال گذشته بود .

با کاهش بهای نفت از سال گذشته ، همه شرکت های نفتی بزرگ و کارشنان و پژوهشگران و معامله گران بورس های بزرگ به پیش بینی میزان وسرعت این کاهش و بررسی پیامدهای آن در اقتصاد جهان پرداختند . با آن که برآوردهای کارشناسان به دلیل وسعت و پیچیدگی موضوع ، هماهنگ و همخوان نیست ، همه آن ها برای این نکته اتفاق دارند که افزایش قیمت ، اقتصاد جهان سوم را بهبود می بخشد ، زیرا جهان سوم می تواند با مبالغی که از این طریق صرفه جویی می کند ، به توسعه صنعتی و خرید کالاهای صنعتی و خدمات فنی بپردازد . این عامل ، بازرگانی جهانی را رونق می بخشد که البته سهم عمده سود آن نصیب کشورهای صنعتی خواهد شد . هنوز نشان نمی آید که از رونق به چشم نخورده است ، اما کس قدر قدرت خرید کشورهای ما درکننده نفت به ویژه در خلیج فارس ، تا شش ماه فوری و مستقیمی برسد و کالاهای صنعتی غرب مانند جنگ افزار به این کشورهای گداخته است .

در میان کشورهای صنعتی ، ژاپن ، آلمان ، فرانسه ، ایتالیا و کره جنوبی که نفت ندارند بیش از همه از کاهش بهای نفت سود برده اند ، اما انگلستان و آمریکا به عنوان مصرف کننده و تولید کننده وضع دیگری دارند . موازنه بازرگانی خارجی انگلستان که در چند سال اخیر به علت فروش نفت گران ، مثبت بود ، در دو ماه گذشته منفی شد و با کاهش شدید بهای نفت دریای شمال ، لیره استرلینگ در کمترین یک هفته ، سه درصد از ارزش خود را از دست داد .

در آمریکا با کاهش قیمت نفت ، بسیاری از جاهای کم تولید بسته شده است ، بسیاری از کارکنان صنایع نفت ، کار خود را از دست داده اند ، بر شما شرکت های تولید و خدمات نفتی که به نقطه اش ورشکستگی می رسند ، هر روز افزوده میشود و بانک هایی که به صنایع نفت و گاز و فعالیت های وابسته به آن ، وام های هنگفت داده اند ، اکنون گرفتار مشکل های بزرگ شده اند و یکی دو بانک کوچک در ایالت های نفت خیز ، خود را ورشکسته اعلام کرده اند .

در این میان ، سرشوت وام های بانک های آمریکا به کشورهای بی چون مکزیک و نروژ و کوبا که به چند ده هزار میلیون دلار می رسد ، مبهم و نامعلوم است . این

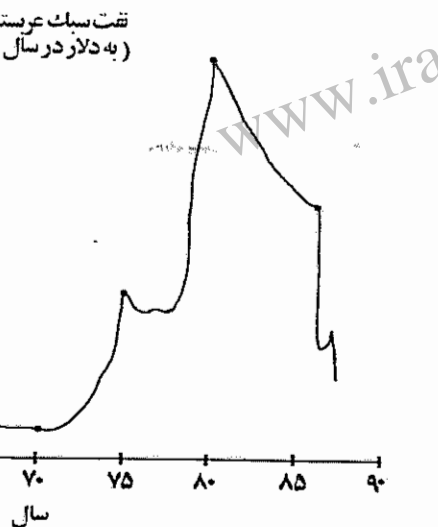
وختاب و فشنگ ، کفتن ندارد که از این چهار موضوع کدام یک بیش از همه ذهن جوانان را به خود مشغول می دارد و کدام یک ذهن سردمداران جمهوری اسلامی را نیز مشغول کند در جمهوری اسلامی کلامی که از این امکانات برای جوانان فراهم است ، جوانان آنجا که آن را دارند که از حداقل وسایل و سیاه و سیاه برخوردار باشند؟ آیا آموزش آنها را بر سر راه است؟ و سرانجام آیا کوچکترین نشانه ای از جنبش برای آبادانی و سزندی به چشم می خورد؟

در این میان تنها امری که جمهوری اسلامی با تمام قوا امکنده است آن را قریب می آورد ، همین است که از هر جا که شده اسلحه فراهم آورد و آن را به دست جوانان و نوجوانان بسپارد و سپس آن ها را ، بدون برخورداری از حداقل لازم آموزش رزمی ، روانه میدان های جنگ گرداند .

مانمی گوئیم ، رسانه های همگانی معادله شده رژیم می گویند که امروز صنعت و کشاورزی ، بویژه کشاورزی ، به روزی افتاده است که فقط درصد بسیار ناچیزی از نیازهای مردم کشور را می تواند برآورد . چرا به آمار و ارقام بپردازیم . هر چقدر هم که در هوان آورخانه که برای تهیه ابیتدائی ترین نیازهای خانواده به

کشورها و کشورهای چون اندونزی و نیجریه ، با سقوط بهای نفت ، قادر به بازپرداخت وام های خود نیستند . گرفتاری های که برای شرکت های نفتی برای کشورهای صنعتی پیش می آید ، به مراتب کمتر و سبک تر از گرفتاری های آن گروه از اعضای او یک است که بخش بزرگ درآمد ارزی آن ها از محل فروش نفت به دست می آید . در این میان ، تنها عربستان سعودی و کویت ، مشکل ارزی فوری ندارند . عربستان ۸۰ میلیون دلار ذخیره ارزی دارد و کویت از محل سرمایه گذاری های صحیح و منظم ، درآمدی بیش از درآمد نفت به دست می آورد .

خطر هنوز تنها می چهره ، خود را نشان نداده است : برخی از کارشناسان می گویند که قیمت نفت ، روند نزولی خود را حداقل تا چند ماه دیگر ادامه خواهد داد و به پنج دلار در بشکه خواهد رسید . نفت بشکته پنج دلار ، از یک سو ، شماری از تولیدکنندگان را که هزینه تولیدشان بالانس گران است ، از میدان بهره برداری خواهد کرد و از سوی دیگر ، باعث خواهد شد که نفت به جای گزری در کشورها ، تسریزی شود و میزان مصرف آن افزایش پذیرد . این کارشناسان می گویند علت گسترش اقتصادی جهان در دهه های پس از جنگ جهانی دوم ، با این بودن وثابت بودن قیمت نفت بوده است و در اثبات نظر خود ، این نمودار را عرضه می دارند .



آنان می گویند اکنون نیز قیمت نفت بر اساس دلار سال ۱۹۸۰ تقریباً "به قیمت بعد از جنگ خود رسیده است . به چشم کارشناسان نفتی ، در آینه بندی نزدیک ، دگرگونی های اساسی در زمینه

بازار می رود و برمی گردد ، این را همه روز به روز بهتر از همه احساس می کنند : اگر با دست های پر برگرده ، با بیسند کیف پولش از اسکناس های درشت خالی شده باشد ، ولی چون دیگر اسکناس درشتی برای خا خا نوده های باقی نمانده است ، ناگزیر با دست های تقریباً " خالی بر می گردد . آیا در چنین کشوری کارهای آبادانی و سزندی انجام می گیرند؟ اگر آری ، گو آن نعمتی که با یسد از آن برخیزد؟ اگر آری ، این گرانی هولناک و قحطی تهدیدکننده زکجاست؟

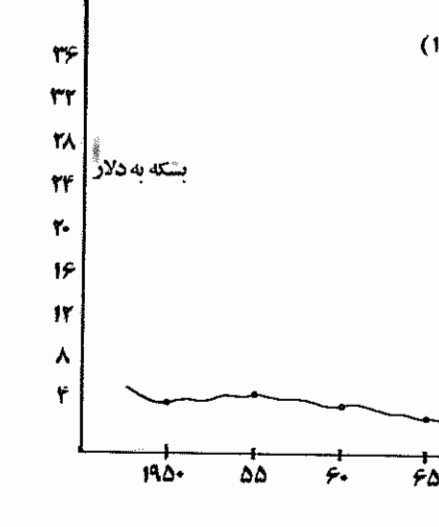
مانمی گوئیم ، رسانه های همگانی معادله شده رژیم می گویند که امروز صنعت و کشاورزی ، بویژه کشاورزی ، به روزی افتاده است که فقط درصد بسیار ناچیزی از نیازهای مردم کشور را می تواند برآورد . چرا به آمار و ارقام بپردازیم . هر چقدر هم که در هوان آورخانه که برای تهیه ابیتدائی ترین نیازهای خانواده به

بهبود وضع بازاری نفت رخ نخواهد داد . عربستان که اکنون تولید خود را به سرز شش میلیون بشکه در روز رسانده است با ویرانه پس از بیرون کشیدن تولیدکنندگان جزء ، و در دست گرفتن بازار ، قیمت نفت را در ۱۵ تا ۲۰ دلار در بشکه تثبیت خواهد کرد . در این سطح قیمت است که می توان ندمکاری تولیدکنندگان عضو غیر عضو او یک و شرکت های نفتی بزرگ را به دست آورد .

این چنین ، اکنون با زار جهانی ، سرشار از نفت است . به کلام دیگر ، روزانه دو میلیون بشکه اضافه بر تقاضا به بازار عرضه می شود . این میزان نفت به مصرف بازاری ذکا بر نفتی شرکت های بزرگ و دولت ها می رسد . شرکت ها در حدود سه میلیارد بشکه ظرفیت ذخیره سازی دارند و کشورهای صنعتی نیز معمولاً برای مصرف یک صد روز خود ذخیره نگه می دارند . وجود این ذخایر نفتی درخور ملاحظاتی در پیش گیری از افزایش قیمت دارد .

برخی از کارشناسان معتقدند که سطح کنونی قیمت نفت ، به علت فشار رشیدی که بر همه اعضا او یک به ویژه بر جمهوری اسلامی ، لیبی و الجزایر وارد می آورد ، آنان را سرانجام به نقطه ای خواهد کشاند که همداستان شوند و تقاضای خود را در تولید کمتر و قیمت بالاتر بیاورند ، اما کارشناسانی که چنین نظری داده اند ، هنوز از میزان شعور و منطق دولت مردان رژیم اسلامی خبر ندارند و فکر می کنند قیمت مرگ خود ، به دیگران زیسان و آسیب برسانند .

سیاست نفتی جمهوری اسلامی از آغاز در جهت عکس سیاست اکثریت کشورهای او یک حرکت کرده است . وقتی قیمت نفت در آغاز سال ۱۹۸۰ به سی و چند دلار در بشکه رسید رژیم جمهوری اسلامی کوشید برای بهره برداری کامل از این افزایش بی قاعده و بی پایه ،



حدا کثر فروش را بکنند ، غافل از آن که دلیل صعود قیمت ، آشفتگی ایران انقلاب زده و در نتیجه ، همسراسر مصرف کنندگان از کمبود عرضه است .

سخنرانی پیش از دستور گفت که معلمان به مدارس جنوب شهر تهران نمی روند و به این پرجمعیت ترین و نیا زمندترین نقطه تهران تنها معلمانی را می فرستند که به خواهند آن ها را تبعید کنند . شمار دانش آموزان پشت کنکور مانده کارنامه آموزشی رژیم را تعیین می کنند ، شمار جوانان و نوجوانانی که در جستجوی امکانات آموزشی خود را به آب و آتش می زنند بلکه بتوانند در دانشگاهی در هر جای جهان که شده اند منویسی کنند ، کارنامه آموزشی رژیم را تعیین می کنند . تنها چیزی که رژیم مانع آن را فراهم می آورد ، جنگ است که جوانان نمانند نمی خواهند ، حال آنکه سرمداران رژیم آن را می خواهند . جوانان ونه تنها جوانان که پدران و مادران ، امروز از هیچ چیز به اندازه جنگ وادامه دهندگان آن بیزا ر نیستند ، پنهان جمعه جوانان را باید نخست از آموزش و ورزش و سزندی خالی کنند تا بتوانند فتنه و مسلسل در آن بکنند . امروز در ایران هیچ چیز منفورتر از جنگ نیست . برای نفرت از جنگ اگر هیچ کدهوام رژیم خمینی بسته به آدامه آن است . از جمله به همین دلیل است که مردم در برابر جنگ مقاومت می کنند ، همچنان که در برابر همه آتجه دلپسند این رژیم است ، مقاومت بخرم می دهند .

جوانان مقاومت می کنند

به تازگی در جمهوری اسلامی تمبیرهای مخصوص جوانان چاپ شده است . در حاشیه سفید این تمبیرها به زبان انگلیسی ، ونه فارسی ، نوشته اند : روز بین المللی جوانان . اما آنچه بیشتر جلب نظر می کند ، حاشیه تمبیرها نیست ، متن آن است که هر بار به موضوعی اختصاص داده شده است . موضوع تمبیرها عبارتند از : جوانان و آموزش ، جوانان و ورزش ، جوانان و سزندی و سرانجام : جوان و دفاع مقدس . در یک چارچوب جمعه ، جوانان قلم و دفتر و کتاب بنهاده اند ، یعنی کسه جوانان در ایران امروز سرگرم آموزشند . در جانی میل زورخانه و دوچرخه و وسایل ورزشی دیگر تا چنین القا شود که جوانان در ایران امروز به ورزش های سنتی و مدرن هر دو روی آورده اند . در جای دیگر نوشته اند که هم چیزی هم شبیه داس و چکش گذارده اند یعنی که جوانان در راه آبادانی کشوری کوشند . اما شاه بیت این آرمها مربوط می شود به جوانان و دفاع مقدس . در این تمبیرها در جمعه جوانان مسلسل است

دو آستانه يك دگرگونی

مهران طبری

مسافری که به تازگی از ایران آمده بود، میهن ما را مانند دینا می دید که هر روز جای دیگری از آن ترک برمی دارد و می شکند و فرومی ریزد. می گفت مردم آرزوی کنندگان دست کم امروزشان مثل دیروزشان باشد و فردایشان مثل امروز. حال آنکه چنین نیست، بلکه امروزشان از دیروز بدتر، و فردایشان بدتر از امروز است. می افزود: زندگی فقط یک تکرار کسالت با نیست، بلکه حرکتی است از بد به بدتر. اگر دیروز خاموشی برق که در این گرمای طاقت سوز، وسایل خنک کننده را از کار می اندازد، از روی برنا مه صورت می گرفت، امروز بدون برنا مه صورت می گیرد و فردا ممکن است شما می وسایل خنک کننده را از کار بریندازد. آن هم در حالی که وسایل بدگیر نمی آید، در حالی که هزینه تعمیرات مدام سنگین ترمی شود.

می گفت اینکه امروز در ایران می گذرد، زندگی نیست، یک کابوس تکرار شونده است. شما روزها از خون خودکشی همسایه ها، سکت های قلبی و اعتیاد، خاصه در میان جوانان، گودال مخوفی است که هر روز غنچه های شکفته پرپر می شوند و در آن می ریزند.

خصوصی ترین زاویه خانه یا مدرسه و به ویژه جوانان را زیر نظر داشت تا مبادا بپندارند در جمهوری اسلامی جا می هست که می توان در آن به اعمال ضد انقلابی پرداخت. و این همان به اصطلاح "حاشیه امنی" است که در همه دیکتاتورهای موجود دارد، مگر در جمهوری اسلامی که از این حیث به واقع بدترین دیکتاتور تاریخ است.

این حکومت اسلامی همان حکومتی است که خمینی گفت مردم برای رسیدن به آن انقلاب کردند. خمینی گفت مردم برای نان و خربزه انقلاب نکردند. راست گفت، مردم نان و خربزه اشتند و انسان برای چیزی که دارد، انقلاب نمی کند. خمینی افزود مردم برای اسلام انقلاب کردند. آن وقت که و این حرف را زد، هنوز تکلیف این حکومت خود را تمام قد نشان نداده بود. اما امروز با هزاران جلوه کربیه بیرون آمده است.

بیرون آمده است تا نشان دهد مردم برای نان و خربزه انقلاب نکردند، بلکه انقلاب کردند که آب و برق نداشته باشند، که بچه هایشان شیر خشک نداشته باشند، که تراخم و کجلی وسالک کسه ریشه کن شده بود، برگردد و چگون و بگیرد راست، همه گیر شود. به بیگ کلام: انقلاب کردند تا همه آنچه را که داشتند از دست بدهند و هیچ یک از آنچه را که آیت الله مدام وعده داده بود، بدست نیاورند.

و امروز اگر کسی آستین یکی از این زما مداران را بگیرد و بپرسد که: آن وعده ها چه شد؟ بیدرتک یک دست سرکوبگر را با لای سرخودی بیند. اما در عین حال خود رژیم نیز می دانند که سرکوبگری حدی دارد که اگر از آن گذشت، دیگر تاشیروکار آئی خود را از دست می دهد. ترس مردم که ریخت، رژیم هرگز نمی تواند سرکوبگری را به نحو هوسناک افزایش دهد تا ترس دوباره بر دلها بنشیند. این یک نقطه عطف و یک تحول تعیین کننده در رابطه خصمانه میان مردم و دولت است.

می گفت در بدترین دیکتاتورهای تاریخ همواره یک "حاشیه امن" وجود داشت و دارد که مردم با پناه آوردن به آن می توانستند می توانستند از گزند حکومت خودکام تا حدی مصون بمانند. منظور از این "حاشیه امن" محدود ماندن به زندگی خصوصی و کاری به کار دولت نداشتن است. یعنی اینکه در دیکتاتورهای معمولاً اگر کاری به کار دولت خودکام نداشتن باشد، دولت هم به توکاری نداد و در نتیجه می توانی دست کم زندگی خصوصی ات را همان گونه که دلخواه توست، بسازی.

وی می افزود اما در جمهوری اسلامی چنین نیست، اگر هم کاری به کار دولت نداشتن باشد، دولت با تو کار دارد، زیرا ایدئولوژی رسمی و حاکم هیچ قلمروئی را از تقدیر خصوصی نمی شناسد که بماند دست اندازی و تجاوز نکند.

اوستخان حجت الاسلام رهبر "رئیس دایره عقیدتی - سیاسی" سازمان تبلیغات اسلامی" را مثال آورد که گفت در اسلام زندگی خصوصی وجود ندارد و در نتیجه چشمه ای مراقب حکومت باشد همه جا افراد را زیر نظر داشته باشد. "سازمان تبلیغات اسلامی"، جایی است که مغز، یا به عبارت درست تری مغزی تبلیغاتی رژیم در آن فرماده می کنند. این سازمان رئیس دایره ایست نام حجت الاسلام رهبر که می گوید در کوهستان، در دریا، در دشت، آری حتی در

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴ فرانك فرانسه -

شش ماهه ۱۲ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین)

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

مایلیم نشریه "فصلنامه ایران" را به مدت یک سال به مبلغ ... فرانك اشتراك به حساب بانکی شماره ... حواله قشور رسید بهضمیمه ارسال می گردد.

تاریخ: امضا

شماره حساب پستی: QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

توجه لازم

تمنا دارم تقاضای اشتراك را به آدرس "فصلنامه ایران" ارسال فرمائید. نامه های که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

نشانی پستی شاخه های

نهضت مقاومت ملی ایران

در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R. Postfach 121007 8000 MÜNCHEN 12 W. Germany آلمان فدرال

N.A.M.I.R. Postfach 523 1171 WIEN AUSTRIA اتریش

PO BOX 57278 WASHINGTON, D.C. 20037 U.S.A آمریکا

N.A.M.I.R. PO BOX 313 LONDON W 2-4 QX ENGLAND انگلستان

PO BOX 130 14600 TULLINGE SWEDEN سوئد

TBS - MO 85 117/118 MAKER CHAMBER (V) NARIMAN POINT BOMBAY 400021 INDIA هند

NEHZAT P.B. 246 3230 AE BRIELLE HOLLAND هلند

A. CH APARTADO CORREOS 50-12 MADRID SPAEN اسپانیا

NAMIR P.B. 1002 STN. B. WILLODALE ONT M2K 2T6 CANADA کانادا

A. R. CASELLA POSTALE 601 00187 ROMA ITALIA ایتالیا

رهبر کبیر جنبش ملی، بزرگداشت می شود. شاخه نهضت مقاومت ملی ایران در تاریخ ۱۳۶۵ میلادی مراسم را برپا می نماید. در این بزرگداشت، همبستگی خود را با نیروهای ملی و مبارز و ضد استبداد به نمایش بگذارد.

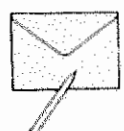
روز جمعه بیست و پنجم ژوئیه ۱۹۸۶ در محل "خانه ایران" در شهر وین مراسم بزرگداشت سالروز "سی تبر"، روز قیام ملت ایران در پشتیبانی از دکتر مصدق، عاید رژیم نشد.

مردم افزوده می شود، به ویژه تورم هرچه سرسام آورتر می شود. اکنون، از نیازهای جنگی که بگذریم، واردات به چند قلم مواد غذایی اساسی محدود شده است. در فروردین ماه گذشته، واردات، معادل ۶۰۰ میلیون دلار بود. با واکت روز افزون وضع ارزی، بی گمان، واردات ماه های بعدی، به میزان واردات فروردین ماه، آخرین ماهی که آمار آن انتشار یافته، نخواهد رسید.

اگر نیازهای ارزی جنگ را که به ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار در ماه برآورد می شود، کنار بگذاریم، رژیم با توجه به درآمدهای نفتی ماهانه اش برای برآورد نیازهای وارداتی ضروری یک جمعیت ۴۵ میلیونی تنها ۴۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار ارز در اختیار دارد. با این تنگدستی، آیا کوتاه دستی است یا با زهم خواهند توانست در از دست می کنند؟

در این میان، رژیم هر روز، درباره گسترش صادرات غیر نفتی دم می زند، اما در ارزی از این محل هنوز که هنوز است به حد دورانی پیش از انقلاب نرسیده است. وانگهی، افزایش آن، در کوتاه مدت، دردی را دوا نخواهد کرد.

در این گیرودار، به گفته خود رژیم، طرح های عمرانی به علت نبود ارز، تعطیل شده است. کارخانه های تولیدی نیز به علت فقدان مواد خام و وسایل یدکی، یا تعطیل شده اند یا با چند درصد ظرفیت اصلی کار می کنند و به زودی تعطیل خواهند شد. درگیروداری که کارگران بیکار را این کارخانه ها، فوج فوج، به خیل چند میلیونی بیکاران می پیوندند و حجم فرآورده های داخلی در بازارهای کشور به علت رکود صنعتی کاهش می یابد، بر معطل های بی شمار

نشانی: 

QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

جمهوری اسلامی و پیامد سقوط قیمت نفت

دگرگونی های سریع در بازار نفت

بقیه از صفحه ۱۱

بازار جهانی، دچار هراس سازند. این پیشنهاد دخیله گرانه زمانی مطرح می شود که در میان اعضای اوپک، جمهوری اسلامی بیش از همه به درآمدهای ارزی نیا زدا رد. پس چگونه می خواهد به دست خود، شاهرگ حیات خویش را، حتی موقتاً قطع کند؟ تضاد میان گفتار و کردار رژیم اسلامی، خاصه در قلمرو نفت، آشکارتر است. از یک سو به شیوه بی انتما س آمیز و با دادن تخفیف های اساسی، در بیدار، مشتری جستجویی کند و از سوی دیگر، پیشنهادیستن شیرهای نفت را می دهد. وزیر نفت رژیم، در حقیقت، در منبر اوپک، بیگ جلوه می کند و در خلوت معامله، کاری دیگر.

به هر روی، کاهش درآمدهای نفتی، رژیم اسلامی را در تنگنای دشواری افکنده است. در بدو دهه سال ۱۳۶۴ در آمد نفتی، ۱۸ میلیارد دلار پیش بینی شده بود، اما بیش از ۱۲ میلیارد دلار،

با افزایش عرضه، طبعاً "قیمت کاهش یافت و رسماً در ۲۹ دلار در بشکته تثبیت گردید و سپس به قدمتی دل ننگ داشتن عرضه و تقاضا، برای اعضای سهمیه تعیین شد تا قیمت رسمی حفظ شود.

جمهوری اسلامی، بی درنگ، هم از سهمیه خود تجاوز کرد، هم به قیمت رسمی واقعی نگذاشت. سپس قیمت رسمی به ۲۵ دلار در بشکته تنزل داده شد تا با قیمت بازار آزاد تناسب بیشتری یابد.

جمهوری اسلامی در این زمان نیز ضمن اعتراض به کسر قیمت رسمی، عملاً قیمت جدید را شکست و اگر توانایی فنی می داشت، از سهمیه خود افزون تر تولید می کرد.

سرتاجم، خواب های طلایی به کابوس بدل شد و اکنون که در شرعده همکاری رژیم اسلامی با دیگر اعضا، اوپک به سه سازمانی در هم ریخته و بی اثر می ماند و در شرایطی که دیگر نه قیمت و نه سهمیه مورد توافق اعضاست، آخوندها خدعه دیگری پیش آورده اند، می گویند با بستن شیرهای نفت، می توان قیمت را به ۲۸ دلار در بشکته بازگرداند. با این خدعه می خواهند فکا رعمومی را در ایران دیگر باره فریب دهند و خریداران را در

ایران هرگز نخواهد مرد